

مؤسسه ثبات مالی^۱ (FSI)

مقاله مرتبط با مباحث خاص

شماره ۱۱

"مدل چهارخط دفاعی برای موسسات مالی"

با در نظر گرفتن مدل سه خط دفاعی، برای نشان دادن ویژگی‌های خاص راهبری موسسات مالی، تنظیم شده است.

Isabella Arndorfer; Bank for International Settlements
Andrea Minto; Utrecht University

دسامبر ۲۰۱۵



بانک تسویه بین‌المللی

برگردان به فارسی

سازمان حسابرسی

الهه مهدوی ثابت مرتضی اسدی

متن اصلی این نوشتار در مرکز اطلاع‌رسانی بانک تسویه جهانی به آدرس (www.bis.org) در دسترس است.

^۱مؤسسه ثبات مالی (Financial Stability Institute) در سال ۱۹۹۸ توسط بانک تسویه بین‌المللی (BIS) و کمیته نظارت بانکی بازل (BCBS) به منظور کمک به ناظران در سراسر جهان برای بهبود و تقویت سیستم‌های مالی آنها تاسیس شده است.

اهداف:

- ترویج شیوه‌ها و استانداردهای نظارت درست در سطح جهانی و حمایت از پیاده‌سازی کامل این استانداردها در همه کشورها،
- بروز نگهداشتن ناظرین در رابطه با آخرین اطلاعات مربوط به محصولات، شیوه‌ها و تکنیک‌های بازار،
- فراهم آوردن محلی برای بحث‌ها و به اشتراک گذاشتن تجربیات و شیوه‌های نظارت، و
- بهبود همکاری و هماهنگی نظارتی بین بخش‌ها و مرزهای بین‌المللی.

خلاصه اجرایی^۲

طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های کنترل داخلی موضوعی است که از زمان بحران مالی جهانی در بین سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ توجه زیادی را در محافل حرفه‌ای و دانشگاهی به خود جلب کرده است. تحقیقات زیادی با حمایت بنیاد پژوهشی انجمن بین‌المللی حسابرسان داخلی^۳ (IIARF) در خصوص ویژگی‌ها و اثربخشی وظایف حسابرسی داخلی صورت گرفته و در مجلات حرفه‌ای و دانشگاهی به چاپ رسیده است. علیرغم این تلاش‌ها، تحلیل سیستماتیک کافی در خصوص نحوه تاثیر طراحی سیستم کنترل داخلی بر کارایی و اثربخشی فرآیندهای راهبری شرکتی علی‌الخصوص در موسسات مالی نظیر بانکها و شرکتهای بیمه وجود ندارد. استفاده از مدل سه خط دفاعی جهت مدل‌سازی رابطه بین راهبری شرکتی و سیستم‌های کنترل داخلی از گذشته رواج داشته است. به نظر ما مدل سه خط دفاعی این قابلیت را دارد که با افزوده شدن یک توجه ویژه به مقررات‌گذار بانکها و شرکتهای بیمه به طرز چشمگیری تقویت گردد. ما به این نقصان پرداخته و تلاش می‌کنیم تا میزان نیاز این موسسات مالی به یک مدل کنترل داخلی موثرتر را با توجه به الزامات مقررات‌گذاری خاص و ویژگی‌های متنوع آنها تعیین کنیم. هر چند که تحقیق حاضر به طور کلی به موضوع موسسات مالی می‌پردازد، اما تحلیل مشروح ما بر موسسات بانکی متمرکز خواهد بود.

ما به منظور لحاظ نمودن ویژگی‌های راهبری خاص بانکها و شرکتهای بیمه، طرح کلی یک مدل حاوی چهار خط دفاعی را ارائه می‌دهیم که به حسابرسان مستقل و ناظرین، یعنی افرادی که به صورت رسمی در محیط خارج از سازمان قرار دارند، یک نقش ویژه در ساختار سازمانی سیستم کنترل داخلی اعطا می‌کند. ما با فرض وجود یک رابطه سه جانبه بین حسابرسان داخلی، ناظرین و حسابرسان مستقل به دنبال بررسی دقیق تعاملات بین این سه گروه هستیم. ما معتقد هستیم که استقرار یک مدل دفاعی چهار خطی موجب ایجاد مسئولیت‌ها و روابط جدید بین حسابرسان داخلی، ناظرین و حسابرسان مستقل شده و تقویت سیستم‌های کنترلی را به دنبال خواهد داشت. البته بایستی به ریسک ناشی از مشکلات جدیدی نیز اشاره کنیم که می‌توانند در اثر گردش اطلاعات ناکافی در بین این نقش‌آفرینان به وجود بیاید.

۱. مقدمه: بحران مالی جهانی، راهبری شرکتی و مدل سه خط دفاعی

اتفاق نظر گسترده‌ای وجود دارد که ناکامی‌های قابل توجه در راهبری شرکتی یک عامل موثر در بحران مالی جهانی^۴ (GFC) بوده است.^۵

^۲ نویسندگان از بازبین‌ها به خاطر نظرات و پیشنهادات ارزشمندشان که به بهبود دقت و اعتبار این تحقیق کمک کردند، تشکر می‌کنند: پروفیسور رابرت ملویل از دانشکده‌ی کسب و کار کاس، پروفیسور ویلکو اوستوندر از دانشگاه اوترخت؛ و خوان کارلوس کریسانتو، استفان هول و ریچان زامیل از موسسه ثبات مالی بانک تسویه بین‌المللی.

^۳ Institute of Internal Auditors Research Foundation

^۴ Global Financial Crisis

^۵ مطابق با گزارش گروه لاروسیه با عنوان گزارشی در ارتباط با آینده‌ی نظارت مالی در اتحادیه‌ی اروپا در تاریخ ۲۵ فوریه‌ی ۲۰۰۹ در شهر بروکسل، راهبری شرکتی یکی از مهم‌ترین عناصر زیربنایی بحران مالی است؛ در متون مرتبط با این موضوع، برای مثال، این مقالات را بخوانید: هویت، «راهبری شرکتی بانکها و سایر موسسات مالی بعد از بحران مالی»، در مجله مطالعات قانون شرکتی ۲۰۱۳، ۲۲۲؛ کیتانو و مولبرت، «نقش نامشخص راهبری شرکتی بانکها در مقررات ریسک سیستماتیک»، در مقاله‌ی کاری قانون ECGI، ۲۰۱۱، شماره‌ی ۱۷۹.

اگرچه برخی مفسران استدلال کرده‌اند نسبت به انتظارات بسیاری از مردم اصلاحات راهبردی شرکتی تاکنون بسیار کم اتفاق افتاده است،^۶ اصلاحات بیشتر در راهبردی شرکتی در کاهش ریسک تکرار بحران مالی عمده ضروری تلقی شده است. به خصوص، بحران مالی جهانی (GFC) باعث بحث‌های جدید درباره اهمیت روش‌های حفاظتی در سطح هیات مدیره شده است، از جمله معرفی قوانین الزام‌آور حقوقی برای ارتقاء کمیته‌های مدیریت ریسک در سطح هیات مدیره و علاوه بر این الزام انتصاب مسئول ارشد ریسک^۷ (CRO) برای بهبود تخصص هیات مدیره در ارتباط با مسائل مدیریت ریسک است.^۸

در سطح بین‌المللی، بحث گسترده‌ای وجود دارد که چگونه می‌توان از روش‌های راهبردی شرکتی در موسسات مالی برای بهبود مدیریت ریسک استفاده کرد. برای نمونه، این کار با ایجاد کمیته مدیریت ریسک در سطح هیات مدیره؛ تغییر انگیزه‌های عضو هیات مدیره توسط طرح‌های متغیر پاداش؛ بهبود نظارت؛ و تحمیل قواعد (ضوابط) مادی دیگر بر جبران خدمت با هدف نهایی ارتقاء ثبات مالی قابل اجرا است.

راهکارهای انتشار یافته توسط کمیته نظارت بانکی بازل^۹ (BCBS) در سال ۲۰۱۵ روی اصول راهبردی شرکتی برای بانک‌ها بر اهمیت روش‌های مدیریت ریسک مناسب تاکید دارد، از جمله، به خصوص، «فعالیت مدیریت ریسک مستقل اثربخش، تحت هدایت مسئول اصلی ریسک (CRO)، با جایگاه، استقلال، منابع و دسترسی کافی به هیات مدیره».^{۱۰} علاوه بر این، «پیچیدگی مدیریت ریسک بانک و زیرساخت کنترل داخلی بایستی هماهنگ با تغییرات پروفایل ریسک بانک، چشم‌انداز ریسک بیرونی و

^۱ این مقاله را بخوانید: هوسون، «وقتی راهبردی شرکتی "خوب"، موسسات مالی "بد" به وجود می‌آورند: بحران جهانی و محدودیت‌های قوانین بخش خصوصی»، مجله‌ی قانون میشیگان، ۲۰۰۹، صفحات ۴۴ تا ۵۰.

^۷ Chief Risk Officer

^۸ مولبرت، «راهبردی شرکتی بانک‌ها بعد از بحران مالی-نظریه، شواهد، اصلاحات»، مقاله‌ی کاری قانون ECGI، ۲۰۰۹، شماره‌ی ۱۳۰؛ هیلپ، «طراحی مجدد راهبردی شرکتی؛ درس‌های آموخته شده از بحران مالی جهانی»، مجله‌ی مدیریت و راهبری، ۲۰۱۱، صفحات ۵۳۳ تا ۵۳۸.

^۹ کمیته نظارت بانکی بازل (Basel Committee on Banking Supervision) اولین استانداردارگذار جهانی برای مقررات احتیاطی بانکها است و فراهم کننده مجمعی برای هماهنگی مقررات با موضوعات نظارت بانکی است. آن دارای ۴۵ عضو شامل بانک‌های مرکزی و ناظرین بانکی از ۲۸ حوزه قضایی است. علاوه بر این کمیته دارای ۹ ناظر از جمله بانک‌های مرکزی، گروه‌های نظارتی، سازمان‌های بین‌المللی و دیگر سازمانهاست. کمیته عضویت خود را در سال ۲۰۰۹ و دوباره در سال ۲۰۱۴ گسترش داده است.

کمیته بازل: در ابتدا کمیته تنظیم مقررات و شیوه‌های نظارت بانکی نامیده میشد. بوسیله راهبران بانک مرکزی کشورهای گروه ده (G10) در اواخر سال ۱۹۷۴ پس از اختلالات جدی در بازارهای ارز و بانکی بین‌المللی (به ویژه شکست بانک هادوس هرستات در آلمان غربی) تاسیس شد. دفتر مرکزی کمیته بازل در بانک تسویه بین‌المللی در شهر بازل سوییس مستقر است و برای بهبود پایداری مالی و بهبود کیفیت نظارت بانکی در سراسر جهان و همچنین به عنوان یک مجمع برای همکاری منظم بین کشورهای عضو در امور نظارتی بانکی ایجاد شده است. اولین جلسه آن در فوریه سال ۱۹۷۵ برگزار شد و جلسات بطور منظم سه تا چهار بار در سال برگزار می‌شود. از زمان آغاز به کار، کمیته بازل عضویت را از گروه ۱۰ (G10) تا ۴۵ موسسه از ۲۸ حوزه قضایی گسترش داده است. با شروع موافقت‌نامه بازل که ابتدا در سال ۱۹۷۵ منتشر شد و چندین بار اصلاح شد، کمیته مجموعه‌ای از استانداردهای بین‌المللی برای تنظیم مقررات بانکی را تعیین کرده است، از جمله مهمترین نشریات برجسته آن در مورد کفایت سرمایه است که معمولاً به عنوان بازل ۱، بازل ۲ و اخیراً بازل ۳ شناخته می‌شود. (بازل: سومین شهر پرجمعیت سوییس در شمال غربی سوییس در کنار رودخانه راین است، با حدود ۱۷۵۰۰۰ نفر جمعیت. زبان گویشی آنها آلمانی است. این شهر به خاطر موزه‌های بین‌المللی آن شناخته شده است.)

^{۱۰} کمیته نظارت بانکی بازل، اصول تقویت راهبردی شرکتی، اصل ۶. همچنین این نوشته را بخوانید: کمیته‌ی اجرایی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی برای راهبردی شرکتی، راهبردی شرکتی و بحران مالی، ۱۵.

فعالیت در صنعت باشد» به طوری که ریسک‌ها بطور مداوم بر مبنای گستره بانک و واحدهای جداگانه آن، شناسایی، پایش و کنترل شود.^{۱۱}

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^{۱۲} (OECD) به نتیجه‌گیری‌های مشابه درباره این روش‌ها، به خصوص جایگاه مسئول اصلی ریسک (CRO)، رسیده است، لازم است ریسک‌های ویژه تحمیلی به اقتصاد بزرگتر توسط بانک‌ها بهتر مدیریت شود، و رویکرد احتیاط خرد و کلان برای نظارت ترکیب شود. به همین ترتیب، گزارش اولیه اخیر در کمیسیون اروپا^{۱۳} (EC) درباره‌ی طرح کلی راهبری شرکتی در موسسات مالی و سیاست‌های جبران پاداش نشان می‌دهد که مدیریت ریسک در سطح هیات مدیره بطور کافی درک نشده است. این عدم کفایت‌ها، به ویژه، عبارتند از «فقدان درک ریسک‌ها»، «فقدان اختیار [...] برای جلوگیری از فعالیت‌های ریسک‌پذیر»، «فقدان تخصص [...] در مدیریت ریسک» و «فقدان اطلاعات به‌هنگام درباره ریسک‌ها».^{۱۴} در نتیجه، این گزارش اولیه پیشنهادات ذیل را با توجه به مدیریت ریسک ترسیم می‌کند:

- تعیین مسئولیت‌ها در سطح هیات مدیره؛
- ایجاد کمیته نظارت بر ریسک در سطح هیات مدیره؛
- ایجاد جایگاه مسئول ارشد مدیریت ریسک که با «پیچیدگی سازمانی» شرکت مربوطه آشنایی دارد؛ و
- افزایش همکاری، نه تنها بین مسئولان نظارتی مربوطه و هیات مدیره‌ها، بلکه بین کمیته نظارت بر ریسک و سایر بخش‌های شرکت.

از مطالب بالا نتیجه‌گیری می‌شود که اصلاحات سیستم کنترل داخلی بایستی همراه با اصلاحات راهبری شرکتی باشد تا اطمینان حاصل شود که بانک‌ها کیفیت ریسک‌پذیری‌شان را ارتقا می‌دهند، از طریق جلوگیری از انگیزه‌های ناسازگار یا در غیر این صورت، ریسک استراتژی‌های کسب‌وکار را کاهش می‌دهند. از این جنبه برتری، بحران مالی جهانی (GFC) نشان داد که ضعف یا فقدان اثربخشی این روش‌های حفاظتی در واقع عمده است.

متخصصان استدلال کرده‌اند که توجیه اولیه، اگر نگوییم تنها توجیه، برای تنظیم سیستم‌های کنترل داخلی حداکثرسازی کارایی و اثربخشی است، که این حداکثرسازی باعث مدیریت مواجهه با ریسک می‌شود.^{۱۵} بنابراین کارایی، هدفی کانونی برای تدوین‌کنندگان استاندارد بین‌المللی است و به نظر می‌رسد

^{۱۱} کمیته نظارت بانکی بازل، اصول تقویت راهبری شرکتی، اصل ۷.

^{۱۲} Organisation for Economic Co-operation and Development

^{۱۳} European Commission

^{۱۴} کمیسیون اروپا، راهبری شرکتی در موسسات مالی و سیاست‌های جبران پاداش، گزارش اولیه، بخش ۳،۴، ۲۰۱۰.

^{۱۵} تیم، «کنترل شرکتی و کارایی بانکی»، مجله‌ی بانک و تامین مالی، ۱۹۹۳، ۱۷؛ جنسن، «حداکثرسازی ارزش، نظریه‌ی ذینفعان، و عملکرد هدف شرکتی»، مقاله‌ی کاری دانشکده‌ی کسب و کار هاروارد، ۲۰۰۰، شماره‌ی ۵۸؛ چامی و فولنکامپ، «اعتماد به عنوان ابزاری برای بهبود راهبری شرکتی و کارایی»، مقاله‌ی کاری صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۲؛ لوین، «راهبری شرکتی بانک‌ها: بحثی مختصر در ارتباط با مفاهیم و شواهد»، مقاله‌ی کاری تحقیقات خط‌مشی بانک جهانی، شماره‌ی ۳۴۰۴، ۲۰۰۴؛ کیرکپاتریک، «درس‌های راهبری شرکتی از بحران مالی»، مجله‌ی روندهای بازار مالی،

به دستور جلسه سیاست‌گذاران و مقررات‌گذاران در سراسر جهان انتقال یافته است. تا جایی که مربوط به سیستم‌های کنترل داخلی باشد، مطابق دیدگاه ما، کارایی عبارت است از روش انجام کار (در قالب شایستگی‌ها، حرفه‌ای‌گری و منابع)، مدل یا ساختار اصلی طرفین شرکت‌کننده در فرایند و تعامل بین این طرفین. این مشاهده به خصوص برای بانک‌ها صادق است.

رویدادهای پرریسک قابل ملاحظه اخیر و رسوایی‌های شرکتی به دلیل سوءرفتار در عملیات بازار مالی نشان می‌دهد که بانک‌ها بایستی معیارهای راهبری شرکتی را ارتقاء دهند.^{۱۶} اما، از همه مهمتر، این رویدادها منجر به اولویت‌بندی دستورکارهای نظارتی و راهبری در ارتباط با پیامدهای سیستماتیک بالقوه سیستم‌های کنترل داخلی ضعیف، شده است.^{۱۷} این مطلب نیازمند برجسته‌تر شدن سیاست‌های خرد^{۱۸} در ارتباط با سوءرفتار در بانک‌ها است. علاوه بر این، نیازمند همکاری نزدیکتر بین مقررات‌گذاران، و حسابرسان داخلی و مستقل است تا اعتماد عمومی به موسسات مالی برگردد.

سیستم‌های کنترل داخلی غیرکارآمد در موسسات مالی نیز از عامل‌های عمده در چند رویداد اخیر کلاهبرداری بوده‌اند: برای مثال، در Société Générale در سال ۲۰۰۸ و در UBS در سال ۲۰۱۱؛ و در چند موسسه مالی جهانی با توجه به دست‌کاری نرخ لایبور و تثبیت نرخ ارز خارجی.^{۱۹} این رویدادها به ما یادآور می‌شوند که ارتباط متقابل شرکت‌کنندگان بازار مالی می‌تواند شوک‌ها را تشدید کند و به صورت بالقوه منجر به فروپاشی سیستم مالی شود.^{۲۰} فقدان اعتماد عمومی تحت تحریک رسوایی‌های رفتاری

۲۰۰۹، ۳ (۱) دی‌جونگه، دیسلی و اسکورز، «راهبری شرکتی، فعالیت‌های غیرشفاف بانکی، و کارایی ریسک/بازده»، مجله‌ی تحقیقات خدمات مالی، جلد ۴۱، شماره ۱-۲، ۲۰۱۲.

^{۱۶} بازبایی اعتماد عمومی یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با مقررات و نظارت بر تعهدات مالی است. بازبایی چنین اعتمادی در ارتباط با رفتارها و فرهنگ در بانک‌ها می‌تواند باعث به دست آوردن دوباره‌ی اعتماد عمومی شود؛ برای مثال، این موارد را بخوانید: گروه سی‌نفره، رفتار و فرهنگ بانکداری: درخواست برای اصلاح جامع و پایدار، جولای ۲۰۱۵؛ FSB، هدایت در ارتباط با تعاملات نظارتی با موسسات مالی در ارتباط با فرهنگ ریسک، آوریل ۲۰۱۴.

^{۱۷} هیئت ریسک سیستماتیک اروپایی، گزارشی در ارتباط با ریسک سوءرفتار در بخش بانکی، ژوئن ۲۰۱۵.

18 Microprudential Policies

^{۱۹} برای مجموعه‌ای از رسوایی‌های مالی اخیر و نظرات مربوط به آن، این مقاله را بخوانید: ارهارد، جنسن، بازگرداندن درستی به بخش مالی: یک رویکرد کاملاً مثبت، مقاله‌ی کاری مالی ECGI، ۲۰۱۴، ۴۱۷، ضمیمه‌ی ۱.

^{۲۰} برای تحلیل جامع در ارتباط با ریسک سیستماتیک در بخش مالی، این مقالات را بخوانید: بوریو، «کشف دوباره‌ی ریشه‌های اقتصاد کلان خطمشی ثبات مالی: سفر، چالش‌ها و مسیری به سمت جلو»، مقالات کاری BIS، ۲۰۱۱، شماره‌ی ۳۵۴؛ نیر و همکاران، «مدل‌های شبکه و ثبات مالی»، مجله‌ی پویایی و کنترل اقتصادی، ۲۰۰۷، ۳۱؛ آیگمن و همکاران، «ریسک نقدینگی تأمین مالی در یک مدل کمی ثبات سیستماتیک»، در مجله‌ی ثبات مالی، سیاست پولی، و بانکداری مرکزی، ویرایش شده توسط آلفارو، بانک مرکزی شیلی، ۲۰۱۱، صفحات ۳۷۱ تا ۴۱۰؛ آدرین و برونمایر، «CoVar»، در گزارش کارکنان بانک فدرال رزرو نیویورک، ۲۰۰۸، شماره‌ی ۳۴۸؛ آچاریا و همکاران، تنظیم مقررات برای وال استریت، نیویورک، ۲۰۱۱؛ کاشیاب و همکاران، «جعبه‌ی ابزار احتیاط در سطح کلان»، مقالات مروری اقتصادی IMF، ۲۰۱۱، ۵۹ (۲)؛ کورینک، «ریسک کردن سیستماتیک: اثرات تقویت، اثرات جانبی و پاسخ‌های نظارتی»، مجموعه‌ی مقالات کاری ECB، ۲۰۱۱، شماره‌ی ۱۳۴۵؛ گودهارت و همکاران، «چهارچوب کاری یکپارچه برای تحلیل مقررات‌گذاران مالی چندگانه»، مجله‌ی بین‌المللی بانکداری مرکزی، ۲۰۱۳، ۹ (۱)؛ شوآرتز، «ریسک سیستماتیک»، مجله‌ی قانون جورج‌تاون، ۲۰۰۸، ۹۷؛ اسکات، «کاهش ریسک سیستماتیک در سیستم مالی ایالات متحد»، مجله‌ی قانون و خطمشی عمومی هاروارد، ۲۰۱۰، ۳۳؛ کیتلاو و مولبرت، «نقش نامشخص راهبری شرکتی بانک‌ها در تنظیم ریسک سیستماتیک»، مقاله‌ی کاری قانون ECGI، ۲۰۱۱، شماره‌ی ۱۷۹.

می‌تواند در نهایت مانع عموم مردم شود تا از سیستم مالی استفاده کنند، بنابراین ثبات و درستی اقتصاد در سطح کلان تضعیف می‌شود.^{۲۱} رفتار و فرهنگ در بانک‌ها هرگز اولویت عمده دستور جلسه سازمان‌های مقررات‌گذار در سراسر جهان نبوده است، از جمله معرفی «قانون ولکر»^{۲۲} در ایالات متحده^{۲۳}، حرکت به سمت اتحادیه بانکداری در اتحادیه اروپا^{۲۴} (EU)^{۲۵} و طرح‌هایی با هدف برقراری بازار مالی آسیا-پاسیفیک.^{۲۶}

برای اجتناب از اجرای سناریوی کلاهبرداری تا پایان و، یک بار دیگر، در مواجهه با نگرانی‌های عمومی مرتبط با درستی بازارهای مالی، مقررات‌گذاران با تمرکز دقیق‌تر بر پیامدهای سیستماتیک به نواقص راهبری داخلی نزدیک می‌شوند. علاوه بر این، این موضوع پیرامون کارایی سیستم‌های کنترل داخلی به صورت مولفه ضروری راهبری شرکتی است، و از نظر ما، عنصر اصلی برای مدلی است که نقش ایفاء شده توسط طرفین مختلف شرکت‌کننده در مدل سیستم کنترل داخلی را تصریح می‌کند.

در صنعت مالی، از بخش‌های عمدتاً کنترل‌کننده، حساب‌برسان داخلی، ناظرین و حساب‌برسان مستقل، خواسته شده تا وظایف‌شان را در حوزه‌های مشابه و کاملاً مرتبط انجام دهند، هرچند هر یک از آنها

^{۲۱} مطابق با آمار، بانکداری با گذر کردن از یکی از مورد اعتمادترین بخش‌های عمومی به بخشی با یکی از کمترین سطوح اعتماد تبدیل شده است: ادلمن تراست بارومتر، نیویورک، ۲۰۱۴؛ گروه ۳۰، فرهنگ و رفتار بانکی، درخواست برای اصلاح جامع و پایدار، جولای ۲۰۱۵. کمیسیون اروپا، مقیاس مصرف‌کننده، در آدرس زیر موجود است:

ec.europa.eu/consumers/consumer_evidence/consumer_scoreboards/10edition/docs/consumer_market_brochure_141027_en.pdf

^{۲۲} Volcker Rule

^{۲۳} قانون اصلاح وال استریت و محافظت از مصرف‌کننده‌ی داد-فرانک، § ۶۱۹. نظرات آقای ولکر در ارتباط با مقررات قانونی پیشنهادی ولکر جالب توجه است. «نیاز به محدودسازی تبادلات حق مالکیت نه تنها مسئله‌ای مرتبط با ریسک‌های آتی بازار است، بلکه این موضوع شاید از اهمیت بسیار زیادی برخوردار باشد. به نظر می‌رسد که این موضوع تبعات اجتناب‌ناپذیر فرهنگ موسسات بانکی تجاری مربوطه است که در مشوق‌های عظیم برای ریسک کردن که به صورت ذاتی در شیوه‌های جبران برای معامله‌گران بروز می‌یابد. آیا گروهی از کارکنان می‌بایست فقط به خاطر فعالیت‌های مبادلاتی حسی، غیرشخصی، و کوتاه‌مدت چنین پاداش زیادی بگیرند، در حالی که بانکداران تجاری حرفه‌ای که خدمات بانکداری تجاری ضروری را به مشتریان عرضه می‌کنند و آشنایی مناسبی با ارزش‌های امانتی دارند، محدود به ساختار پاداش‌دهی کمتری باشند؟» (ولکر، نظرات در ارتباط با محدودیت‌های مبادله‌ی اختصاصی توسط موسسات سپرده‌گذاری بیمه شده، الصاق شده به نامه‌ی نوشته شده توسط پاول ای. ولکر به آژانس‌های مقرراتی مالی، ۱۳ فوریه‌ی ۲۰۱۲).

^{۲۴} European Union

^{۲۵} سخنرانی دنیله نوی، رییس هیئت نظارتی نظام نظارتی واحد، را با عنوان چشم‌انداز بانکداری اروپایی-نتیجه‌گیری اولیه بعد از چهار ماه نظارت بانکداری مشترک و چالش‌های اصلی پیش رو ببینید. این سخنرانی در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۵ انجام شده است و در آدرس زیر قابل مشاهده است:

www.bankingsupervision.europa.eu/press/speeches/date/2015/html/se150317.en.html

فرآیند تقریب قوانین پایه برای دستورالعمل واحد و اتحادیه‌ی بانکداری در اروپا از هدف اصلی بازایی اعتماد عمومی الهام گرفته است. از این منظر، به عنوان مثال، «معتبرسازی دقت بانکداری» به درستی و به صورت مکرر به عنوان چالش اصلی قانونگذاران و مقررات‌گذاران در هنگام تنظیم دستورالعمل بازایی وحل و فصل بانکی EU/۵۹/۲۰۱۴ (BRRD) شناسایی شده است. BRRD، مقدمه، نظر ۵ را بخوانید. در میان نظر محققین، به طور مثال، نوشته‌ی آرمور، با عنوان «معتبرسازی دقت بانکداری» را در فران، مولونی و پین (eds)، کتاب راهنمای مقررات مالی آکسفورد، انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۴ بخوانید؛ همچنین، بایندر، «دقت: مفاهیم، الزامات و ابزارها»، مقاله‌ی پذیرفته شده در همایش بازایی و دقت بانکی در اروپا - دستورالعمل مدیریت بحران اتحادیه‌ی اروپا در عمل، سازماندهی شده به صورت مشترک توسط نویسنده و دالویندر سینگ از دانشگاه وارویک، برگزار شده در دانشگاه توپینگن، آلمان، در تاریخ ۱۸ تا ۱۹ اکتبر، ۲۰۱۴.

^{۲۶} جیمز شیپتون؛ مدیر اجرایی کمیسیون ضمانتنامه‌ها و قراردادهای آتی واسطه‌ها، هنگ‌کنگ، نظارت بر واسطه‌ها: ابتکارات کلیدی و تمرکز در سال ۲۰۱۴، ژوئن ۲۰۱۴.

تمرکزهای متفاوتی دارند (برای مثال، حسابرسان داخلی بر اثربخشی و کارایی عملیات تمرکز دارند، ناظرین بر مسائل نظارتی، و غیره).

با به رسمیت شناختن حوزه‌های همپوشانی فعالیت‌ها و نیاز به هماهنگی میان این سه طرف، نتیجه می‌گیریم تغییر شکل ساختار کنترل داخلی موسسات مالی با استفاده از خط چهارم دفاعی برای نهادهای کنترلی برون سازمانی لازم است.

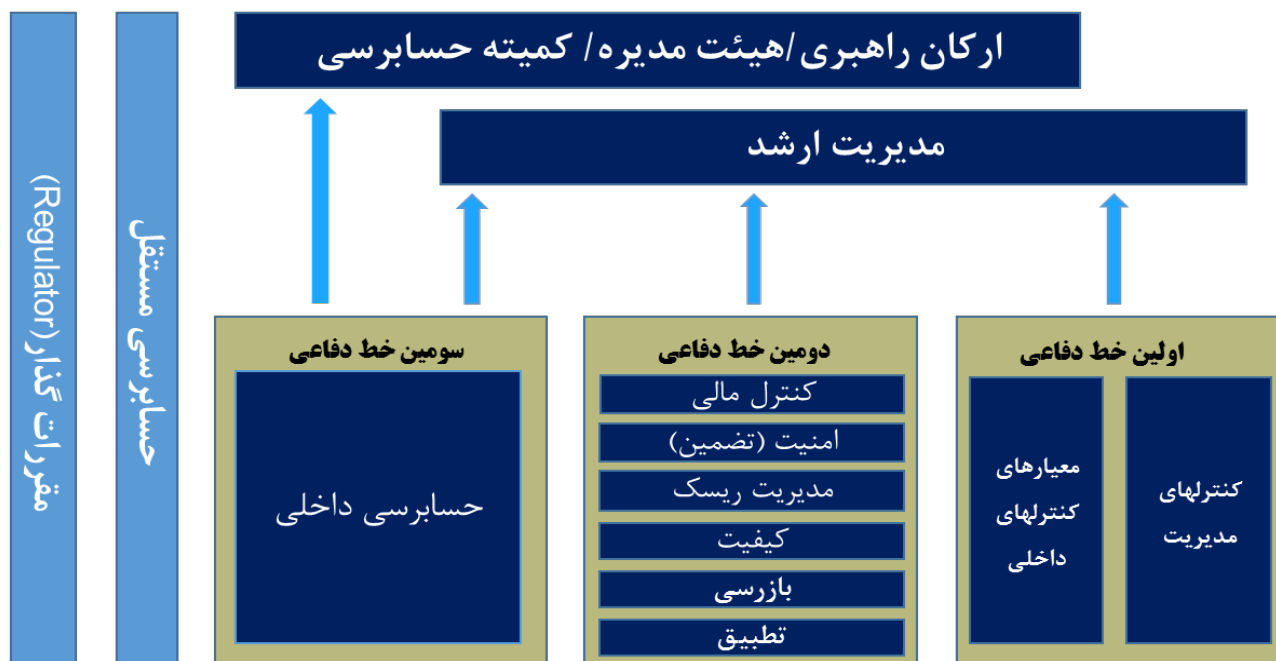
۲. مروری بر مدل سه خط دفاعی

به دنبال بحث‌های گسترده در صنایع، در نهایت، در سال ۲۰۱۳، انجمن بین‌المللی حسابرسان داخلی مدل سه خط دفاعی را ایجاد کرد.^{۲۷} این مدل به رایج‌ترین معیار برای تخصیص مسئولیت‌های مدیریت ریسک و کنترل به بخش‌های کارکردی کسب‌وکار در سازمان تبدیل شد. ایده اولیه آن بود که مدلی با کاربرد عمومی برای سازمان‌ها تدوین شود. با وجود این، در این مدل، خصوصیات منحصر به فرد بخش‌های خاص، مشخص نشده است (برای مثال، ویژگی‌های مؤسسات مالی تحت نظارت).

ارزش‌افزایی اصلی این مدل امکان هماهنگی مسئولیت‌های کنترلی به نحو اثربخش و کارآمد است. برای رسیدن به این هدف، نیاز است که نقش‌ها و مسئولیت‌ها به روشنی به فعالیت‌های ریسک و کنترل اطلاع‌رسانی شود تا گروه‌های متخصص بتوانند حوزه فعالیت‌های خود و نحوه ارتباط آن حوزه با فعالیت‌های سایر گروه‌ها را درک کنند.

این مدل با نمایش هندسی به صورت زیر خلاصه شده است:

مدل سه خط دفاعی



IIA^{۲۷} (انجمن حسابرسان داخلی)، مقاله‌ی اعلان موضع، سه خط دفاعی در اثربخشی مدیریت ریسک و کنترل، ژانویه ۲۰۱۳.

خصوصیات این مدل در بخش‌های زیر شرح داده شده است.

اولین خط

واحدهای کسب و کاری درآمدزا مبنای این مدل را شکل می‌دهند و با عنوان اولین خط دفاعی از آنها یاد می‌شود. بسته به نوع صنعت موردنظر، این واحدها ممکن است شامل تولید کالاهای فیزیکی یا تهیه خدمات مالی مثل تجارت، مدیریت دارایی، فروش و روابط با مشتری باشند. هدف این مدل تخصیص مسئولیت‌های کنترل و مدیریت ریسک به اولین خط دفاعی است (به عبارتی، کارمندان و مدیران در این واحدهای درآمدزا مشغول به کارند). در این مدل، فرض می‌شود که کنترل‌ها در اولین خط بسیار تفکیک‌شده و مبتنی بر معاملات فردی است، زیرا کارمندان به صورت روزانه درگیر فرایندها هستند و با گردش کاری و نقاط ضعف احتمالی کنترل آشنا نیستند. بنابراین، پیاده‌سازی کنترل‌هایی که فرایندهای تفکیک‌شده‌تری را هدف قرار می‌دهند و تشخیص زودهنگام نقاط ضعف برای آنها آسان‌تر است. بنابراین آنها قادر به اطلاع‌رسانی فوری به سطوح مدیریتی مناسب و تضمین پیاده‌سازی به موقع اقدامات ضروری‌اند. با معرفی کنترل‌های خودکار، فراگیر کردن فعالیت‌های کنترلی (به عبارتی، ثبت تمام داده‌های مربوط) و دقیق‌تر کردن آنها امکان‌پذیر می‌شود، با توجه به این که تنها آن موقعیت‌های استثنایی که سیستم برجسته کرده است نیازمند بررسی فوری مدیریت است. وظایف کنترلی در خط اول بر مسئولیت دوگانه واحدها نیز تأکید دارد؛ ایجاد کسب‌وکار برای سازمان، و درعین حال، مطلع بودن از ریسک‌ها و کنترل‌های مرتبط. این رویکرد با درس‌های آموخته‌شده از بحران مالی جهانی (GFC) تقویت شده است؛ در آنجا، واحدهای ریسک‌پذیر به قدر کافی از رویه‌های کنترلی و ریسک آگاه نبودند.

دومین خط

در صورت ناکارا شدن سیستم‌های کنترلی ترسیم‌شده در اولین خط دفاعی، یا در غیاب آنها، دومین خط دفاعی اهمیت می‌یابد. دومین خط متشکل از وظایف مختلف تطبیق و مدیریت ریسک است (به عبارتی، فعالیت‌های پشتیبانی)، مانند امور مالی، تطبیق، کنترل ریسک، اعتبارسنجی مدل و دفتر پشتیبانی^{۲۸}، که وظایف کلیدی‌شان پیش و گزارش روش‌های مرتبط با ریسک و اطلاعات و نظارت بر تمام انواع مسائل کنترلی مالی و تطبیق است. در طول بیست سال گذشته، دومین خط دفاعی در سازمان‌های مرتبط با صنعت مالی تحت نظارت به شکل چشمگیری تکامل یافته است. با معرفی دفتر میانی^{۲۹}، وظایف تطبیق (معرفی بازار کار)، وظایف مدیریت ریسک عملیاتی و اعتباری، پیاده‌سازی فعالیت مستقل تایید قیمت و نقش اعتبارسنجی مستقل (مدل) نشان‌دهنده افزایش توسعه نمادین است.

در پاسخ به الزامات مقرراتی سخت‌گیرانه‌تر و فرایندها و محصولات پیچیده‌تر، سازمان‌ها کارکنان و بخش‌های کارکردی بیشتری را به دومین خط افزوده‌اند. بدون کمک سازمان و هماهنگی مسئولیت‌ها، نهادهای مالی گاهی اوقات شکاف‌های کنترلی قابل ملاحظه‌ای بروز می‌دهند که ممکن است سلامت مالی آنها را زیر سؤال ببرد. از نمونه وظایف ناکافی دومین خط دفاعی می‌توان به رسوایی تجاری فریب‌کارانه Société

²⁸ Back Office

²⁹ Middle Office

Générale در سال ۲۰۰۸ و ضرر مالی UBS در سال ۲۰۰۷ اشاره کرد که ناشی از بحران مسکن در ایالات متحد بود و تقریباً به فروپاشی UBS انجامید.^{۳۰} و^{۳۱}

به این ترتیب، دومین خط دفاعی الزامات کنترلی پیشگیرانه و اکتشافی^{۳۲} را تعریف می‌کند و گنجانیدن این الزامات را در سیاست‌ها و رویه‌های اولین خط تضمین می‌کند. دومین خط باید مستقل از اولین خط باشد و کنترل‌ها را باید به صورت مستمر (مثلاً روزانه) یا دوره‌ای به کار بگیرد. دومین خط ممکن است مبتنی بر معیارهای روشن ارزیابی ریسک نیز باشد (برای مثال، بررسی دقیق معاملات واحدهای کسب و کاری خاصی که جابه‌جایی شغلی کارمندان در آنها بالاتر از حد معمول است یا تعداد خطاها و اصلاحات زیادتری نسبت به حالت معمول دارند).

سومین خط

سومین خط دفاعی، که سطح بعدی کنترل را نشان می‌دهد، شامل فعالیت حسابرسی داخلی است. در سال‌های اخیر، این روش توسعه یافته است، به نحوی که نسبت به حوزه وسیعی از اهداف، از جمله کارایی و اثربخشی عملیات، حفاظت از دارایی‌ها، قابلیت اطمینان و درستی فرایندهای گزارشگری و رعایت قوانین و مقررات، به مدیریت ارشد و هیئت‌مدیره اطمینان‌بخشی مستقل ارائه می‌دهد. برای اثربخشی این فعالیت، لازم است که این فعالیت مبتنی بر بالاترین سطح استقلال و بی‌طرفی باشد. بهترین راه برای دسترسی به آن پیاده‌سازی ساختارهایی است که در استانداردهای ویژگی‌های شخصی، استاندارد ۱۱۰۰ انجمن بین‌المللی حسابرسان داخلی (IIA) ارائه شده است و شامل استقلال سازمانی و تعامل مستقیم با هیئت‌مدیره و ... است.^{۳۳} از جمله اقداماتی که برای اطمینان از این سطح بالای استقلال اتخاذ شده است شامل توانایی بخش حسابرسی داخلی در ملاقات با هیئت‌مدیره در غیاب مدیریت ارشد است. هیئت‌مدیره در اصل مسئول فعالیت حسابرسی مستقل است و باید به خدشه‌دار شدن احتمالی بی‌طرفی آشنا باشد.^{۳۴}

کنترل‌هایی که در سومین خط دفاعی صورت می‌گیرد مبتنی بر کارایی روش‌شناختی ارزیابی ریسک است. در عمل، بخش حسابرسی باید حداقل به صورت سالانه به ارزیابی ریسک سازمان مبادرت کند و واحدهای کسب و کاری یا فرایندهایی که سطح ریسک باقیمانده بالایی دارند را شناسایی کند (به عبارتی، ریسک باقیمانده بعد از در نظر گرفتن محیط کنترل داخلی). بنابراین، سومین خط دفاعی تنها نسبت به ارزیابی مبتنی بر ریسک دوره‌ای اطمینان می‌دهد نه پیش تفکیک‌شده و مستمر که به نوعی اولین خط دفاعی است.

کنترل‌های برون‌سازمانی

در نهایت، چند سطح کنترلی برون‌سازمانی بیشتر وجود دارد که مکمل سه لایه داخلی فعلی کنترل‌هاست. حسابرسان مستقل از جمله رایج‌ترین نهادها در این دسته‌بندی‌اند، و براساس قانون، در اغلب سازمان‌ها

^{۳۰} Société Générale، بخش بازرسی عمومی، گزارش خلاصه، می ۲۰۰۸.

^{۳۱} UBS، گزارش سهامداران در ارتباط با کاهش‌های ارزش UBS، آوریل ۲۰۰۸.

^{۳۲} Detective

^{۳۳} IIA (انجمن حسابرسان داخلی)، استانداردهای ویژگی‌های شخصی ۱۱۰۰، استقلال و بی‌طرفی (واقع‌بینی).

^{۳۴} OECD، اصول راهبری شرکتی، سپتامبر ۲۰۱۵.

وجودشان الزامی است. به‌ویژه در بخش مالی تحت نظارت، الزاماتی وجود دارد که باید در نهادهای مقررات-گذار خاص صنعت بررسی شوند (برای مثال، مقام نظارتی بیمه یا بانک)؛ این نهادها در خارج از سازمان قرار دارند. گرچه حسابرسان مستقل در خارج از سازمان قرار دارند، برای راهبری کلی و ساختار کنترلی سازمان اهمیت دارند، زیرا استانداردها و مقررات مربوطی را که باید پیاده‌سازی شوند وضع می‌کنند و درنهایت وظیفه دارند که بررسی کنند آیا این مقررات به نحو مناسب رعایت شده‌اند یا خیر. درنتیجه، ممکن است موقعیت‌هایی پیش بیاید که در آن مسائل مقرراتی در سازمان اهمیت اصلی را بیابد و ساختارها و فرایندهای راهبری را مشخص کند.

در بحث زیر، ابتدا ویژگی‌های رایج‌ترین مدل درحال استفاده (مدل سه خط دفاعی) به‌اجمال بیان می‌شود، پس‌زمینه این مدل و دلایل اصلاح آن مطابق با نیازهای مؤسسات مالی مطرح می‌شود، و در آخر، با ارزیابی مزایا و نواقص افزایش همکاری و ارتباطات، روابط دوجانبه میان این سه فعالیت کنترلی تحلیل می‌شود.

۳. نقاط ضعف و شکست‌های گذشته‌ی مدل سه خط دفاعی

علیرغم استقبال پرشور مؤسسات مالی بزرگ از مدل سه خط دفاعی در طی چند سال گذشته دنباله‌ای از رسوایی‌های بانکی مختلف در این مدت روی داده‌اند که نارسایی‌های سیستم‌های کنترل داخلی نقش مهمی در آن‌ها داشته و به ضررهای مالی قابل توجه منجر شده‌اند و حتی برخی مؤسسات را به آستانه‌ی ورشکستگی رسانده‌اند. ما با در نظر گرفتن این شواهد ریشه‌ی دلایل این مشکلات و نقاط ضعف مدل سه خط دفاعی را در عمل تحلیل می‌کنیم:

۱. انگیزه‌های ناسازگار برای ریسک‌پذیران در اولین خط دفاعی

بسیاری از متخصصان بر این باور هستند که اولین خط دفاعی مهم‌ترین کنترل است.^{۳۵} با این حال این مسئولیت با اهداف اغلب ریسک‌پذیران حاضر در خط اول یعنی کسب درآمد و سود کافی برای موسسه در تضاد است. در گذشته مدیران به جای اهداف کنترل‌گرا تأکید زیادی بر روش‌های پاداش‌دهی داشتند و آن‌ها را بر اساس میزان دستیابی به اهداف مالی موسسه تعیین می‌کردند. یکی از دلایلی که باعث شد تا موسسه‌ی مالی UBS در طی بحران بدهی‌های آمریکا با مشکلات مالی روبه‌رو شود، رویه‌های کنترلی ناکافی و نارسایی‌های سیستم‌های گزارشگری مالی این موسسه در زمینه‌ی موقعیت‌های معاملاتی رو به رشد این شرکت بر روی اوراق بهادار آمریکا با پشتوانه‌ی وام مسکن رهنی در بانک سرمایه‌گذاری بود.^{۳۶} در حالی که این موقعیت‌های معاملاتی روز به روز در بانک انباشته می‌شدند این اطلاعات به سطوح بالایی مدیریت منتقل نشده و تنها در لابه‌لای گزارش‌های کلی ارائه می‌شدند و به همین دلیل میزان واقعی آسیب‌پذیری این شرکت از بازار وام مسکن آمریکا را مخفی نگه داشته بودند. سوال اصلی این است که

^{۳۵} لیونز، نظارت شرکتی و خطوط دفاعی ذی‌نفعان، گزارش عملیات اجرایی هیئت کنفرانس، شماره‌ی ۳۶۵، اکتبر ۲۰۱۱؛ کاپرلیونو و کاسالینو، «بهبود راهبری شرکتی و مهارت‌های مدیریتی در مؤسسات بانکی»، مجله‌ی بین‌المللی یادگیری شرکتی پیشرفته، ۲۰۱۴، جلد ۷، شماره‌ی ۳؛ اسپیرا و پیچ، «مدیریت ریسک؛ ابداع دوباره‌ی کنترل داخلی و تغییر نقش حسابرسی داخلی»، مجله‌ی حسابداری، حسابرسی و پاسخگویی، ۲۰۰۳، جلد ۱۶، شماره‌ی ۴، صفحات ۶۴۰ تا ۶۶۱؛ کمیته‌ی سازمان‌های پشتیبان کمیسیون تریدوی (COSO)، نظارت موثر بر ریسک واحد تجاری: نقش هیئت-مدیره‌ها، سپتامبر ۲۰۰۹.

^{۳۶} UBS، گزارش سهامداران در ارتباط با کاهش‌های ارزش UBS، آوریل ۲۰۰۸.

چطور یک بانک به معامله‌گران خود که اهداف کنترلی را رعایت می‌کنند پاداش می‌دهد اما نمی‌تواند درآمد کافی برای موسسه ایجاد کند. شاید یک راه پیش‌رو معرفی سیستم پاداش خاصی باشد که از ترکیب یک عنصر پاداش انعطاف‌پذیر و کوچک با شرط دستیابی به اهداف کنترلی پیش از دریافت پاداش تشکیل شده باشد. علاوه بر این مشکل سطوح بالاتر سازمان را می‌توان در چارچوب ارتباطات نامناسب در نظر گرفت که در برخی از مواقع با فقدان چشم‌انداز جامع و درست افرادی که در درجه‌ی اول اهمیت هستند ترکیب می‌شود.^{۳۷}

۲. فقدان استقلال سازمانی فعالیت‌هایی که در دومین خط دفاعی قرار دارند

انتقاد رایجی که غالباً در مورد اثربخشی کنترل‌های انجام شده در خط دوم دفاعی مطرح می‌شود فقدان استقلال سازمانی فعالیت‌های کنترلی است.^{۳۸} اغلب وظایف مدیریت ریسک گزارش خود را به طور رسمی به هیئت مدیره ارسال می‌کنند. با این حال غالباً مخاطب خطوط گزارشگری روزانه و کانال‌های ارتباطاتی به احتمال بیشتر به جای هیئت مدیره، مدیران ارشد هستند. در طول زمان ممکن است فعالیت‌های کنترلی حیاتی با ادغام در درون سازمان از طریق تعامل و مبادله‌ی اطلاعات با فعالیت‌های دیگر خطوط اول و دوم دفاعی به تدریج استقلال خود را از دست بدهند و شاید دیدگاه‌هایی را اتخاذ کنند که به جای واحدهای کنترلی از سوی واحدهای ریسک‌پذیری مطرح شده‌اند. همچنین پاداش‌دهی به دومین خط دفاعی نیز نقش مهمی در این روند ایفا می‌کند. بانک‌ها در تعیین اهداف مناسب برای واحدهای کنترلی که بتوانند توازن مناسبی میان ریسک‌پذیری و هشیاری کنترلی برقرار کرده و در عین حال امکان کسب سود باثبات را برای سازمان فراهم کنند با دشواری‌های زیادی روبه‌رو هستند.

۳. فقدان مهارت‌ها و تخصص کافی در فعالیت‌های دومین خط

حتی اگر فعالیت‌های حاضر در خط دوم دفاعی استقلال سازمانی داشته باشند ممکن است از مهارت‌ها و تخصص کافی برای به چالش کشیدن موثر روش‌های عملکرد و شیوه‌های کنترلی خطوط اول برخوردار نباشند یعنی اقداماتی مانند تأیید اعتبار مدل‌های پیچیده (مانند مدل‌های مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی یا ریسک نرخ بهره‌ی در دفتر بانکی) یا ارزش‌گذاری مستقل ابزارهای دارای قدرت نقدشوندگی پایین یا آنهایی که تعیین ارزش آن‌ها دشوار است. با این حال علیرغم مقررات سختگیرانه‌تری که در زمینه‌ی روش‌های پاداش‌دهی متغیر وضع شده‌اند، همچنان پاداش‌هایی که برای فعالیت‌های اولین خط در نظر گرفته می‌شوند و همچنین تخصص این فعالیت‌ها به مراتب بالاتر و مهمتر از فعالیت‌های دومین خط است. سوالی که باقی می‌ماند این است که چطور بانک‌ها می‌توانند کارکنان بسیار مجرب را به جای کار در فعالیت‌های اولین خط یا ریسک‌پذیر به سوی فعالیت‌های دومین خط جلب کنند. جروم کرویل^{۳۹} یکی از کارکنان موسسه‌ی مالی Société Générale توانست موقعیت سفته‌بازی غیرمجاز خود را به مدت بیش از یک سال حفظ

^{۳۷} چارچوب اجرای حرفه‌ای بین‌المللی (IPPF)، آلتامونت اسپرینگز، فلوریدا: انجمن حسابرسان داخلی، ۲۰۱۳.

^{۳۸} آندرسون و یونکس، بهره‌گیری از COSO در امتداد سه خط دفاعی، جولای ۲۰۱۵.

کند بدون آنکه مقامات این موسسه متوجه ماجرا شوند.^{۴۰} دفاتر پشتیبانی و بخش‌های کنترل ریسک موسسه‌ی Société Générale بازرسی‌های متعددی را در رابطه با بی‌نظمی‌ها و ناسازگاری‌های ناشی از این معاملات سفته‌بازی انجام دادند اما نتوانستند هیچگونه تخلفی را تشخیص دهند چرا که کرویل توانسته بود با پاسخ‌های دروغین خود [تخلفات خود را مخفی نگه دارد] و هیچ‌یک از فعالیت‌های کنترلی حاضر در دومین خط نیز پاسخ‌های وی را به حد کافی به چالش نکشیدند.

۴. انجام ارزیابی ذهنی و نامناسب ریسک توسط حسابرسی داخلی

اثربخشی کار حسابرسان داخلی وابستگی زیادی به برنامه‌های حسابرسی معتبری دارد که براساس ارزیابی‌های سالانه، جامع و عینی ریسک تهیه شده باشند و توسط افرادی انجام شوند که درک خوبی از مجموعه ریسک‌های سازمان دارند. برخورداری حسابرسان داخلی از دانش، مهارت‌ها و تجربه‌ی لازم برای انجام این قضاوت‌ها به شدت به تجربه‌ی شخصی خود حسابرسان و آشنایی آن‌ها با فرآیندهای ریسک‌پذیری و فعالیت‌های مدیریتی وابسته است. هدف این ارزیابی‌های ریسک شناسایی حوزه‌ها یا فرآیندهای پرریسک سازمان است تا حسابرسی‌های دقیق‌تر و بیشتری از آن‌ها انجام شود. ناتوانی در شناسایی حوزه‌های پرریسک باعث جلب توجه حسابرسان به حوزه‌های ریسک نادرست شده و اثربخشی عملکرد سومین خط دفاعی را تضعیف می‌کند. درست همانطور که در مثال موسسه‌ی مالی UBS^{۴۱} حسابرسان داخلی میزهای معاملات بحرانی مشتقات وام‌های مسکن با پشتوانه‌ی رهنی ایالات متحد را بررسی کرده و نقاط ضعفی را در روند کنترل آن‌ها شناسایی کردند اما نتوانستند در مدت زمان کافی گزارش حسابرسی خود را آماده کنند. تأخیر ایجاد شده در روند تأیید و تکمیل گزارش حسابرسی (که حتی به چند ماه رسید) بسیار حیاتی بود و اثربخشی گزارشی که می‌توانست کیفیت مناسبی داشته باشد را تضعیف کرد.

تعبیه کردن نقش حسابرسان مستقل در ساختار سیستم دفاعی می‌تواند کمبودهای مدل سه خط دفاعی مرسوم را تا حدودی جبران کرده و صحت و قابلیت اطمینان چارچوب مدیریت ریسک را (که بر اطلاعات و تخصص بیشتر حسابرس مستقل متکی است) افزایش دهد. در بخش بعدی با معرفی منطق مبنای مدل چهار خط دفاعی این ایده را بیشتر توضیح می‌دهیم.

۴. مفهوم مدل «چهار خط دفاعی» در موسسات مالی

از زمان ظهور بحران مالی جهانی (GFC)، طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های کنترل داخلی توجه جدی محافل دانشگاهی و حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. در همین حال، پژوهش‌هایی که به بررسی ویژگی‌ها و اثربخشی فعالیت حسابرسی داخلی می‌پردازد با حمایت مالی بنیاد پژوهشی انجمن بین‌المللی حسابرسان داخلی (IIARF) در بازه‌های زمانی منظم انجام شده و در مجلات دانشگاهی و تخصصی منتشر شده است.

^{۴۰} Société Générale، بخش بازرسی عمومی، گزارش خلاصه، می ۲۰۰۸.
^{۴۱} UBS، گزارش سهامداران در ارتباط با کاهش‌های ارزش UBS، آوریل ۲۰۰۸.

از این رو، در طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های کنترلی برای تعیین حوزه‌ای که موسسات مالی به مدل کنترل داخلی نیاز دارند، رسیده‌ایم.

این که آیا مدل چهار خط دفاعی در موسسات مالی باید آنطور که بطور نظری بیان شده، به درستی قاعده‌مند شده و بطور عملی اجرا شود، نقطه شروع تحلیل ما است. این پرسش را می‌توان زیرمجموعه‌ای از این پرسش دانست که آیا مناسب است که به تعاملات بین حسابرسی داخلی، ناظرین مالی و حساب‌برسان مستقل بپردازیم. در برخورد با این پرسش، باید بدانید که ما دامنه بررسی خود در مورد مدل سه خط دفاعی را به صنعت مالی محدود می‌کنیم.

پس از بحران مالی جهانی، پیشنهادها و اصلاحات مربوط به راهبری شرکتی موسسات مالی و، بطور خاص، مربوط به سیستم‌های کنترل داخلی، از مدل سه خط دفاعی به عنوان واحد پایه تحلیل، استفاده کردند. یعنی، ریسکی وجود داشت که این مدل نتواند راهبری شرکتی موثر را تضمین کند و در واقع ممکن است ضعف‌های اساسی راهبری شرکتی را، به خصوص در بخش‌های قانونمند همچون بانکداری، تشدید کند.

بطور دقیق‌تر، مدل سه خط دفاعی ممکن است در برخورد دقیق با ویژگی‌های عملیاتی سازمان که نه تنها از ماهیت آن کسب و کار^{۴۲} بلکه از چارچوب اختصاصی موسسات بانکداری و بیمه (مقررات و نظارت) سرچشمه می‌گیرند، نامناسب باشد.^{۴۳} هدف آن چارچوب حمایت از ذینفعان مختلف بانک‌ها و شرکت‌های بیمه‌ای در برابر ریسک‌های خاص ذاتی چنین سازمان‌هایی، شامل آسیب‌پذیری در برابر فروپاشی سیستماتیک است.^{۴۴ و ۴۵}

مقررات در دهه گذشته بطور فزاینده‌ای تفصیلی شده‌اند. به موازات این امر، ناظرین مالی بطور فزاینده‌ای برای رسیدگی به هر جنبه‌ای از سازمان و راهبرد مربوط به حفاظت از دوام موسسات مالی هرگاه که درستی بازار در خطر بود، فراخوانده شدند.

انگیزه این نوشتار بررسی و مطالعه این موضوع است که چرا موسسات مالی از دیگر بخش‌ها متفاوتند، و بهبود اثربخشی مدل سه خط دفاعی است. همچنین مدل جدیدی پیشنهاد می‌کنیم که به جای نادیده گرفتن ویژگی‌های بخش مالی بر آنها متمرکز می‌شود. به علاوه، مدل سه خط دفاعی را می‌توان با

^{۴۲} بانک‌ها کسب و کارهایی منحصر به فرد هستند که در آن‌ها واسطه‌ها بین پس‌اندازکنندگان و استفاده‌کنندگان از سرمایه وجود دارند. بانکداری به عنوان نوع خاصی از فعالیت در نظر گرفته می‌شود که پیچیدگی بالایی به دنبال دارد و منجر به درگیر شدن ذی‌نفعان متعدد و به وجود آمدن سطح بالایی از ارتباطات میان شرکت‌کنندگان بازار می‌شود. برای مثال، این مقالات را بخوانید: دهان و و لاهو، «راهبری شرکتی بانک‌ها؛ یک پیمایش»، مقاله‌ی کاری DNB، ۲۰۱۳، ۳۸۶، ۲؛ مهران، موریسون و شیپرو، «راهبری شرکتی و بانک‌ها: آن چه از بحران مالی یاد گرفته‌ایم»، بانک فدرال رزرو نیویورک، ۲۰۰۱، ۵۰۲، ۳.

^{۴۳} این موضوع همچنین به صورت سنتی به عنوان یک «قانون ساختاری» در تاریخچه‌ی مالی آنگلوساکسون شناخته می‌شده است: کوتس، «قانون ولکر به عنوان قانون ساختاری: تبعات برای تحلیل هزینه-فایده و قانون اداری»، مقاله‌ی کاری قانون ECGI، ۲۰۱۵، شماره‌ی ۲۹۹.

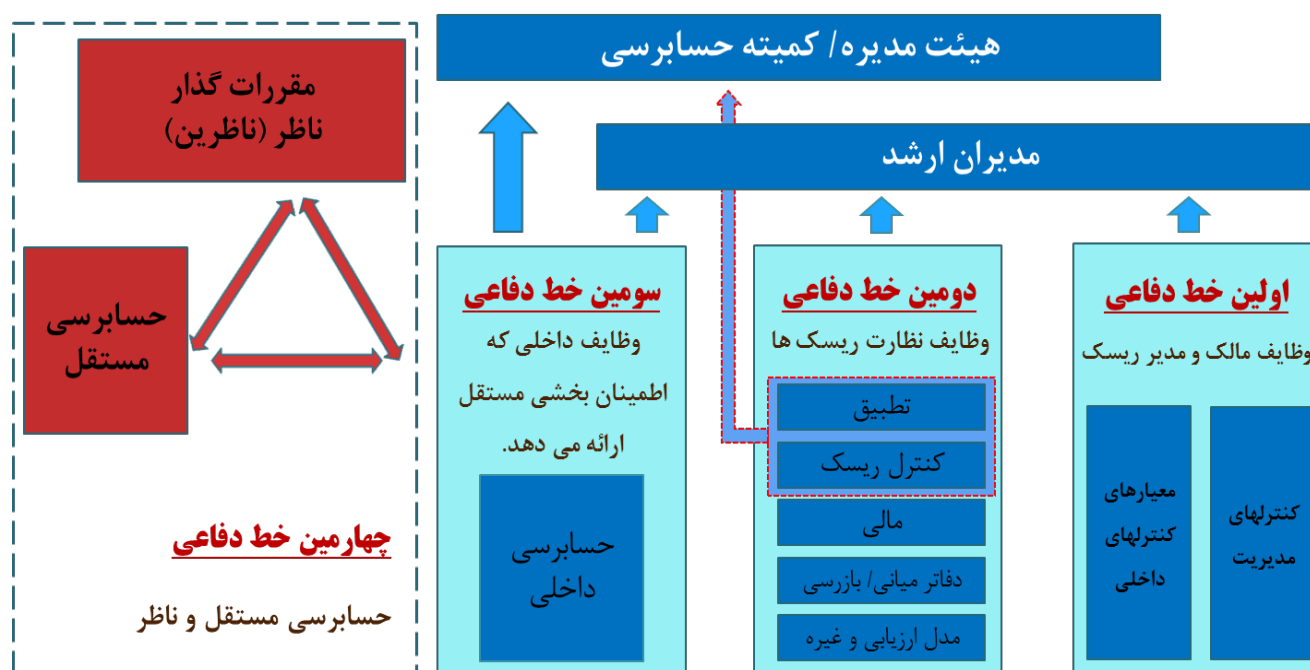
^{۴۴} هوپت، «راهبری شرکتی بانک‌ها و سایر موسسات مالی بعد از بحران مالی»، *مجله‌ی مطالعات قانون شرکتی*، ۲۰۱۳، ۲۴۳؛ وان در الست، «راهبری شرکتی و بانک‌ها؛ این بازی چقدر توجه‌پذیر است»، *مقاله‌ی کاری قانون ECGI*، ۲۰۱۵، ۲۸۴، ۲۴.

^{۴۵} مولبرت، «راهبری شرکتی بانک‌ها»، *مجله‌ی مقالات مروری قانون سازمانی کسب و کار اروپایی*، ۲۰۰۹، ۴۲۲. مقررات‌گذار، منافع طرفین همانند منافع عمومی را نمایندگی می‌کند که این گروه‌های نمایندگی شده به سبب فقدان حقوق یا مشوق‌های مناسب، قادر به محافظت از خود از طریق سازوکارهای خصوصی نیستند (برای مثال، این مقاله را ببینید: الکساندر، «راهبری شرکتی و مقررات بانکداری»، مقاله‌ی کاری کمبریج، ۲۰۰۴، ۱۷، ۳).

گنجاندن ناظرین و حسابرسان مستقل به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سیستم‌های کنترل داخلی و پایش ریسک، تقویت کرد. گرچه، بسته به اندازه، ماهیت و پیچیدگی یک واحد تجاری، ممکن است طرف‌های دیگری نیز در مدیریت ریسک دخیل باشند. این طرف‌ها لازم است بخشی جدایی‌ناپذیر از مدل باشند: خط چهارم دفاعی به خصوص برای موسسات مالی ممکن است از طریق حسابرسان مستقل و یا مقررات-گذاران^{۴۶} به وجود آید.

برای مدتی طولانی، تدوین‌کنندگان استانداردهای بین‌المللی رابطه نزدیک بین ناظرین، و نهادها و فعالیت‌های داخلی را لازم نمی‌دانستند.^{۴۷} اخیراً، آنها خواهان تعامل قوی‌تر، به ویژه در رابطه با افزایش گفتمان با هیئت مدیره و مدیریت ارشد در مورد راهبری ریسک، شامل ایجاد چارچوب ریسک‌پذیری موسسه و ارزیابی فرهنگ ریسک آن، شده‌اند. از این لحاظ، فدرال رزرو اخیراً به این موضوع پرداخته و، بر مبنای بیانیه خط-مشی در مورد فعالیت حسابرسی داخلی ۲۰۰۳، بخش جدیدی تحت عنوان روش‌های بهبود یافته حسابرسی داخلی عرضه کرد. آن بخش بازرسان را ترغیب می‌کند تا «به کار انجام شده از سوی حسابرسان داخلی اتکا کرده» و «روبه‌های بازرسی خود را از طریق پایش مداوم و ارزیابی عناصر کلیدی حسابرسی داخلی تکمیل کنند».^{۴۸} مقاله کمیته نظارت بانکی بازل (BCBS) در مورد وظیفه حسابرسی داخلی در بانک‌ها به هنگام توصیف رابطه بین حسابرسی داخلی و ناظرین به نتایج مشابهی می‌رسند.^{۴۹} آن نه تنها مروری بر انتظارات نظارتی در رابطه با فعالیت حسابرسی داخلی (شامل ارزیابی کیفیت) را ارائه می‌دهد بلکه به صراحت بر منافع افزایش ارتباط بین ناظرین و فعالیت حسابرسی داخلی تاکید می‌کند.

نمودار ۲: مدل ۴ خط دفاعی برای موسسات مالی



^{۴۶} هاپکین، مدیریت ریسک، انتشارات کوگان پیچ، ۲۰۱۳، ۱۹۳.

^{۴۷} مورد اخیراً منتشر شده: هیئت ثبات مالی، شدت و اثربخشی نظارتی. گزارش پیشرفت در زمینه‌ی نظارت تقویت شده، ۷ آوریل ۲۰۱۴.

^{۴۸} آرکان راهبری سیستم فدرال رزرو، بیانیه‌ی خط‌مشی تکمیلی در ارتباط با فعالیت حسابرسی داخلی و برون‌سپاری آن، ۲۰۱۳.

^{۴۹} کمیته نظارت بانکی بازل، فعالیت حسابرسی داخلی در بانک‌ها، ژوئن ۲۰۱۲.

از آنجا که مدل چهار خط دفاعی می‌خواهد هماهنگی بین اشخاص برون‌سازمانی و حسابرسان داخلی را افزایش دهد، ارتباط بیشتر اساس موفقیت آن است. کارهای ارتباطی از طریق کاهش، و نه حذف، اطلاعات نامتقارن میان اشخاص درگیر عمل می‌کند، البته در صورتی که رفتار (تبادل) اطلاعات طوری باشد که سیستم‌های کنترل ریسک کارآمدتر شوند.

در برخی موارد، اعمال الزامات افشای بیشتر می‌تواند زیانبخش باشد، اگر باعث شود طرف‌های درگیر در لایه چهارم رفتار خود را در جهت مخالف تغییر دهند. این موضوع مشکل مخاطره اخلاقی در آسیب اثربخشی سیستم‌های کنترل داخلی را بدتر خواهد کرد.^{۵۰} افزایش میزان اطلاعات به خودی خود خوب نیست، و حتی می‌تواند منجر به سیستم‌های کنترل با اثربخشی و کارایی کمتر شود.^{۵۱}

از آن لحاظ، مدل چهار خط دفاعی مجموعه جدیدی از فرایندها و قواعد، به خصوص از لحاظ اطلاعاتی که حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل و ناظرین به ترتیب باید به اشتراک بگذارند (یا مجاز نیستند به اشتراک بگذارند) را به دنبال خواهد داشت. این قواعد دسته‌بندی‌های اطلاعاتی را که در اختیار آنها قرار می‌گیرند، رویه‌های کسب اسناد و سوابق، و قواعد محدودکننده انتشار اطلاعات مستثنا و محرمانه بازرسی و حفاظت اطلاعات محرمانه را تعیین می‌کنند.

از آنجا که در طول زمان پیچیدگی کسب و کار بانکداری افزایش یافته، وظایف ناظرین بانکی و حسابرسان مستقل واقعاً بطور فزاینده‌ای متقاضی داشته است. این مورد به خصوص در نظام‌های مقررانی صدق می‌کند که در آن این دو (ناظرین بانکی و حسابرسان مستقل) در مقام بازرسی مرکزی و مقامات بازرسی ملی مشترک هستند، مانند اتحادیه اروپا.^{۵۲} پیچیدگی در حال افزایش معاملات و بازارها، توان سازمان‌های نظارتی را در کاهش عدم تقارن اطلاعات کمتر کرده است. در نتیجه، باید به دنبال رویکردهای مکمل برای کاهش این عدم تقارن‌ها بود. این خط اضافه شده دفاعی می‌تواند از این لحاظ کمک‌کننده باشد. در واقع، حسابرسان داخلی، ناظرین بانکی و حسابرسان مستقل با همین چالش‌ها روبرو هستند و نقش آنها باید بیشتر به عنوان مکمل دیده شود.

ناظرین بانکی نه تنها از حاصل کار حسابرسی داخلی نفع می‌برند بلکه برای برخی وظایف خاص دیگر یا برای گردآوری اطلاعات تکمیلی وقتی این اطلاعات به کار نظارتی آنها کمک کند به حسابرسان مستقل

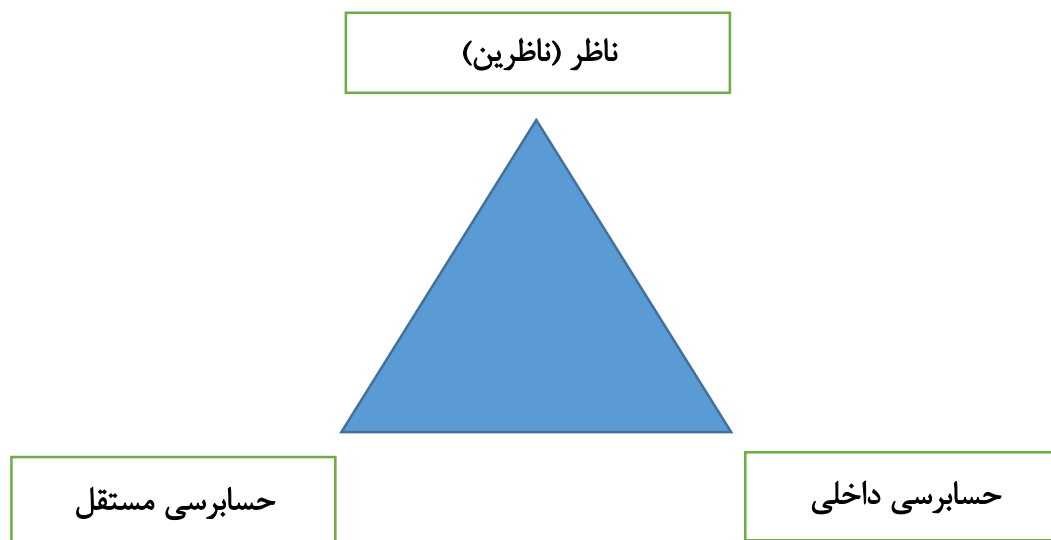
^{۵۰} در نبود توافق‌نامه‌های افشاء در ارتباط با رفتار اطلاعات، حسابرسی داخلی یک بانک ممکن است اطلاعات محرمانه را در ارتباط با موقعیت بانکی دیگر افشا کند.

^{۵۱} همین مشکل برای مثال در زمانی روی می‌دهد که دولت می‌بایست به صورت بهینه‌ای اطلاعات مربوط به دارایی‌های بانک‌ها را در خلال یک بحران مالی افشا کند: رجوع شود به فاریا ای کاسترو، مارتینز و فیلیپون، «رانز در مقابل لیمونز: افشای اطلاعات، ظرفیت اقتصادی و ثبات مالی»، دفتر ملی تحقیقات اقتصادی، ۲۰۱۵.

^{۵۲} در ارتباط با تقسیم وظایف بین ECB و NCA، ECB، راهنمای نظارت بر بانکداری، نوامبر ۲۰۱۴ را بخوانید. در متون، این مقالات را بخوانید: فرارینی و چیارلا، «نظارت مشترک بانکداری در منطقه‌ی اروپا: نقاط قوت و ضعف»، مقاله‌ی کاری قانون ECGI، ۲۰۱۳، ۲۲۳؛ ایلینس، «اتحادیه‌ی بانکداری اروپایی و بازار مالی یگانه‌ی اتحادیه‌ی اروپا: یکپارچگی متمایزتر یا عدم یکپارچگی؟»، مقاله‌ی تحقیقاتی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه کمبریج، ۲۰۱۴، شماره‌ی ۲۹؛ فرارینی، «نظارت یگانه و راهبری بازارهای بانکی»، مقاله‌ی کاری قانون ECGI، ۲۰۱۵، ۲۹۴.

هم روی می‌آورند. به علاوه، همزمان حسابرسان مستقل نیز می‌توانند از رابطه با ناظرین سود ببرند. حسابرسان مستقل در انجام وظایف خود، می‌توانند به اطلاعاتی دسترسی یابند که به آنها در انجام موثرتر مسئولیت‌هایشان کمک کند. این موضوع منجر به رابطه سه‌گانه بین حسابرسان داخلی، ناظرین بانکی و حسابرسان مستقل می‌شود.

نمودار ۳: مثلث مقرراتی



طبق مدل چهار خط دفاعی، حسابرسان مستقل می‌توانند ارزیابی مستقلی از سه خط اول ارائه دهند. جاییکه این ارزیابی به حسابرسی گزارشگری مالی سازمان و به رعایت الزامات مقرراتی مربوط است. از این لحاظ، با ارائه اطمینان بیشتر به سهامداران و مدیریت ارشد، حسابرسان مستقل، مقررات‌گذاران و سایر نهادهای برون‌سازمانی نقش مهمی در ساختار کلی راهبری و کنترل سازمان به عهده دارند.

به علاوه، تعامل بین وظایف کنترلی (یعنی وظیفه حسابرسی داخلی) و ناظرین می‌تواند منجر به بهبود ابزارها و روش‌هایی شود که می‌توانند از سوی ناظرین برای تشدید نظارت خود بر موسسات مالی بکار روند، با این هدف که به جای نظارت منفعلانه و مبتنی بر نتیجه، نظارت پیش‌گیرانه ارائه دهند. به عبارت دیگر، از طریق کانال‌های ارتباطی بهبود یافته با حسابرسی داخلی، ناظرین می‌توانند اطلاعات مفید و قابل اتکایی برای پشتیبانی کردن از قضاوت‌های خود بدست آورند و می‌توانند آینده‌نگری بیشتری در ارزیابی‌های خود از ریسک داشته باشند. ناظرینی که اطلاعات بهتری دارند، و به اطلاعات دقیق مسلح هستند، کمک می‌کنند در اطمینان‌دهی این که پایداری بازار حفظ می‌شود.

به خصوص در زمان‌هایی که، بیش از همیشه، موسسات مالی باید اعتماد عمومی و اعتماد آنها را که با آنها تجارت می‌کنند را بازیابی و مدیریت کنند، رابطه نزدیک تر بین حسابرسان داخلی، ناظرین و حسابرسان مستقل، به بخش مالی اعتبار و اطمینان خواهد بخشید. درک متقابل بیشتر نقش‌ها و مسئولیت‌های مربوط به این سه نقش آفرین، اثربخشی هر حوزه را بهبود خواهد بخشید، زیرا آنها نگرانی‌های مکملی در رابطه با موضوعات یکسان دارند گرچه تمرکز نگرانی‌های آنها متفاوت است.

بر مبنای رابطه سه گانه بین حسابرسان داخلی، ناظرین و حسابرسان مستقل، بخش‌های بعدی این مقاله منافع مدل چهار خط دفاعی را از طریق بررسی هر یک از تعاملات بین آنها روشن می‌کند. بررسی سوابق فعلی موضوع نشان می‌دهد که هیچ‌یک از مطالعات مستقیماً به موضوعات مربوط به چنین مدلی نمی‌پردازند. بیاید هر رابطه را به نوبت بررسی کنیم، زیرا هر کدام عنصر مهمی در بهبود سیستم کنترل اثربخش است که به بهترین تخصیص و مدیریت ریسک در درون موسسات منحصر به فرد منجر می‌شود.

۵. رابطه بین وظایف سومین و چهارمین خط دفاعی

۵.۱. رابطه بین حسابرسان مستقل و ناظرین

اولین رابطه مورد بررسی رابطه‌ای است که بین حسابرسان مستقل و مراجع مقررات‌گذار وجود دارد. در حالیکه هر یک از این دو فعالیت، دامنه و رویکردهای مخصوص به خود را دارند، اما با این وجود حوزه‌ها و موضوعات یکسانی می‌توانند تابع تغییر تعدیل شده اطلاعات و دیدگاه‌ها باشد.^{۵۳}

قبل از توضیح ویژگی‌های ارتباط و خصوصیات تعامل حسابرسان مستقل و ناظرین، ابتدا باید مسئولیت‌های آنها را تحلیل کنیم.

نقش حسابرس مستقل در درجه اول بررسی صورتهای مالی و اطمینان از این موضوع است که آنها عاری از هرگونه تحریف بااهمیت و بر طبق یک چارچوب گزارشگری مالی مناسب تهیه شده‌اند.^{۵۴} این نکته باید در ابتدا ذکر شود که اظهارنظر حسابرس در ایجاد اعتبار برای صورتهای مالی بسیار مربوط است و باعث حمایت از سلامت مالی موسسه می‌شود. همانند حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل اطمینان‌دهی مستقلی برای هیئت مدیره، مدیریت ارشد و سهامداران ارائه می‌دهند. با این وجود، دامنه فعالیت حسابرس داخلی با حسابرس مستقل متفاوت است، همچنان که حسابرس مستقل در درجه اول با صورتهای مالی سر و کار دارد. حسابرس مستقل گواهی می‌کند که صورتهای مالی از تمام جنبه‌های بااهمیت انعکاس درستی از وضعیت و عملکرد مالی شرکت ارائه می‌دهند.^{۵۵}

به منظور اطمینان از استقلال حسابرس مستقل، ترتیبات راهبردی جداگانه‌ای باید بکارگرفته شود. کمیته حسابرسی هیئت مدیره باید از بین موسسات حسابرسی، کاندید مناسب را برای فعالیت به عنوان حسابرس مستقل شناسایی و معرفی نماید و سپس با انتصاب آنها موافقت کند. چرخش‌ها و محدودیت‌های اجباری تصدی، اکنون بطور رایج در مورد حسابرسان مستقل اعمال می‌گردد، تا از شرایطی که آنها به تدریج بیطرفی و استقلال خود را در طول زمان بخاطر ارتباط نزدیک با شرکت از دست می‌دهند، اجتناب شود. گذشته از این، در برخی حوزه‌های قضایی محدودیت‌هایی برای میزان خدمات غیرحسابرسی از جانب حسابرس معرفی کرده‌اند که مانع مشارکت حسابرسان مستقل در حسابرسی کار خود می‌شود. همچنین

^{۵۳} قدردانی از کار حسابرسی داخلی توسط کمیته نظارت بانکی اروپایی در نظراتشان مطرح شده است: «استاندارد بین‌المللی بازنویسی شده‌ی

پیشنهادی در ارتباط با حسابرسی ۶۱۰- ملاحظات حسابرس در ارتباط با وظیفه حسابرسی داخلی»، مارس ۲۰۰۷.

^{۵۴} ISA (استاندارد بین‌المللی حسابرسی) ۲۰۰، اهداف کلی حسابرسی مستقل و انجام حسابرسی طبق استانداردهای بین‌المللی حسابرسی، پاراگراف ۱۱.

^{۵۵} OECD، اصول راهبردی شرکتی، سپتامبر ۲۰۱۵.

مؤسسات مالی می‌توانند با افشای عمومی پرداخت‌ها به حساب‌برسان مستقل برای خدمات غیرحسابرسی و ممانعت از داشتن سهم توسط آنها در شرکت حسابرسی شده، استقلال حساب‌برسان را تقویت کنند.^{۵۶}

برخی از مسئولیت‌های کلیدی ناظرین بانکداری شامل مواردی مانند «دادن مجوز به بانک‌ها، انجام نظارت مستمر، بررسی رعایت قوانین و اتخاذ اقدامات اصلاحی به موقع برای رسیدگی به نگرانی‌های مربوط به ایمنی و امنیت بخصوص در رابطه با خطرهای احتمالی برای ثبات مالی» می‌شود.^{۵۷} یکی از موارد اساسی در نظارت موثر، استقلال عملیاتی ناظر به همراه چهارچوب راهبری صحیح در اختیارات نظارتی است. به دنبال تغییرات محیط نظارتی و قانونی و در پاسخ به کاستی‌های برجسته شده بخاطر بحران مالی جهانی، دامنه فعالیت‌های نظارتی برای مشمول کردن مسئولیت‌های اضافی مانند بررسی چارچوب مدیریت ریسک عملیاتی، ارزیابی چارچوب‌های کنترل داخلی و کفایت حسابرسی داخلی و مستقل افزایش یافته است.^{۵۸} در عمل، رشد پیچیدگی و بین‌المللی شدن رو به رشد مؤسسات مالی به این معنا است که یک موسسه به ندرت تابع یک مقام مقررات‌گذار واحد قرار می‌گیرد. مؤسسات ممکن است به دلایل خاص زیر تابع بیش از یک نهاد مقررات‌گذار شوند:

- گروه‌های بانکداری و بیمه برون مرزی. یک موسسه مالی می‌تواند بخشی از یک گروه بزرگ بانکداری یا بیمه فعال بین‌المللی با مالکیت خارجی باشد. در این صورت مقررات‌گذار مستقر در کشور شعبه یا شرکت فرعی «مقررات‌گذار میزبان» نامیده می‌شود در حالیکه مقررات‌گذار شرکت اصلی به عنوان «مقررات‌گذار اصلی یا مبدا» عمل می‌کند. به منظور تسهیل تبادل اطلاعات بین مقررات‌گذار اصلی و مقررات‌گذاران میزبان (متعدد)، «نهادهای نظارتی» پایه‌ریزی شده‌اند. چنین نهادهایی باید ساختارهای دایمی اما منعطفی باشند که اجازه همکاری، هماهنگی و اشتراک اطلاعات بین مراجع مقررات‌گذاری گروه‌های مالی برون مرزی را بدهند.^{۵۹}

- ساختارهای مخصوص منطقه‌ای یا کشوری. چنین ساختارهایی می‌توانند مؤسسات مالی را ملزم به تابعیت از ترتیب خاصی مانند یک مرجع نظارتی فراملی در کنار ناظر محلی کنند. یک نمونه از چنین نهادهای نظارتی فراملی «نظام نظارتی واحد»^{۶۰} (SSM) است که اختیار نظارتی متمرکز بانکی واگذار شده به بانک مرکزی اروپا^{۶۱} (ECB) را بازنمایی می‌کند. هر چند که این نهاد در سال ۲۰۱۴ تاسیس شد، اما با این وجود تقسیم دقیق قدرت هنوز نیازمند موافقت ناظران ملی مشارکت کننده و نظام نظارتی واحد (SSM) است.^{۶۲ و ۶۳}

^{۵۶} OECD، اصول راهبری شرکتی، سپتامبر ۲۰۱۵.

^{۵۷} کمیته نظارت بانکی بازل، اصول اساسی برای نظارت بانکی موثر، اصل اساسی ۲۷، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۵۸} همان ماخذ.

^{۵۹} کمیته نظارت بانکی بازل، اصولی برای دانشکده‌های نظارتی موثر، ژوئن ۲۰۱۴.

^{۶۰} Single Supervisory Mechanism

^{۶۱} European Central Bank

^{۶۲} ECB، ۲۰۱۵/۸۳۹ حکم ۲۷ آوریل ۲۰۱۵ شناسایی موسسه‌های اعتباری که تابع ارزیابی جامع هستند (ECB/2015/21).

^{۶۳} مقررات‌گذار ریسک جهانی، «روابط ناظر مستقل ECB با مقامات ملی هنوز در جریان است»، بانکدار، ژوئن ۲۰۱۵.

- نهادهای نظارتی متعدد در حوزه قضایی یکسان. بسته به تکالیف و مسئولیت‌های نظارت مالی در یک حوزه قضایی خاص، مقررات‌گذاران متعدد (برای نمونه مقررات‌گذاران بانکی و بیمه، و کمیسیون‌های بورس و اوراق بهادار) می‌توانند عهده‌دار نظارت بر یک موسسه مالی شوند. این لایه‌های بیشتر بررسی نظارتی ممکن است باعث افزایش پیچیدگی شیوه‌ای شوند که ناظرین با حسابرسان مستقل تعامل می‌کنند. ناظرین باید مطمئن شوند که هر مقررات‌گذار دست‌اندرکار برای اجتناب از تداخل احتمالی وظایف حدود دامنه بررسی محول شده به خود را رعایت می‌کند.

بعد از تعیین مسئولیت‌های حسابرس مستقل و ناظر، ویژگی‌های رابطه آنها و چگونگی نفع رسانی به یکدیگر را با جزئیات بیشتری تجزیه و تحلیل می‌کنیم. منافع مشترک این دو در این موضوع خلاصه می‌شود که حسابرس می‌تواند اطلاعات مربوط به ریسک و اقدامات عملیاتی را کسب کند که در غیر اینصورت برای ناظرین به طور مستقیم قابل دسترسی نخواهد بود.

ناظرین می‌توانند از نتایج بررسی چارچوب کنترل داخلی که توسط حسابرس مستقل انجام می‌شود بهرمنند گردند که اغلب ناظرین بخاطر محدودیت‌های منابع و بودجه قادر به انجام چنین بررسی‌هایی نیستند. اگر ناظر چنین اطلاعاتی را دریافت کند، اثر بخشی نظارت بهبود خواهد یافت. ناظرین همچنین اطلاعات را جمع‌آوری، و بررسی‌های خود را بر ارزیابی توانایی سازمان برای پیروی از مقررات مالی مرتبط با حوزه قضایی مورد بحث متمرکز می‌کنند. در همین راستا این اطلاعات می‌تواند بر صورت‌های مالی تاثیر گذارد و مورد توجه حسابرسان مستقل قرار گیرد که - بخاطر ماهیت وظایفشان - ممکن است به اطلاعات با جزئیات بیشتر دسترسی نداشته باشند. اطلاعات ارائه شده توسط ناظر می‌تواند به حسابرس مستقل این امکان را بدهد تا اظهار نظر بهتری در مورد درست بودن صورت‌های مالی ارائه دهد.^{۶۴}

باید این نکته را در نظر داشت که یک رابطه سلسله مراتبی بین ناظرین و حسابرسان مستقل وجود دارد: ناظرین الزامی برای ارزیابی کفایت حسابرسی‌های مستقل دارند، قدرت این را دارند تا دامنه کاری حسابرسان مستقل را ایجاد، و ممکن است استانداردهایی برای پیروی در انجام چنین حسابرسی‌هایی تعیین کنند. ناظر همچنین ممکن است استفاده از رویکردهای خاصی را در برنامه‌ریزی و انجام حسابرسی‌های مستقل مطالبه نماید.^{۶۵}

گذشته از این، حوزه‌های قضایی خاصی به ناظرین بانکی اجازه درخواست از موسسه‌های حسابرسی مستقل برای بررسی حوزه‌هایی فراتر از الزامات قانونی حسابرسان مستقل را در صورت صلاحدید می‌دهد.^{۶۶}

در برخی از حوزه‌های قضایی، حسابرسان مستقل وظیفه گزارش موضوعات با اهمیت بالا^{۶۷} را به ناظرین بر عهده دارند.^{۶۸} ارزیابی انتقادی این الزام ضروری است، همچنان که این تنها در حوزه‌های قضایی ممکن است

^{۶۴} کمیته نظارت بانکی بازل، حسابرسی‌های مستقل بانک‌ها، مارس ۲۰۱۴.

^{۶۵} کمیته نظارت بانکی بازل، اصول اساسی برای نظارت بانکی موثر، اصل اساسی ۲۷، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۶۶} کمیته نظارت بانکی بازل، حسابرسی‌های مستقل بانک‌ها، مارس ۲۰۱۴.

^{۶۷} اصطلاح «اهمیت بالا» نیازمند تفسیر زمینه قانون خاص مربوط به نهاد نظارتی است. یک یا چند موضوع که معمولاً دارای اهمیت بالا برای فعالیت مقررات‌گذار هستند، با توجه به ماهیت یا تاثیر بالقوه مالی‌اش، به احتمال زیاد مستلزم بررسی توسط مقررات‌گذار است. (اهمیت بالا گاهی اوقات با برقراری روش قانونی منفرد تعیین می‌شود، مثلاً ۵ درصد درآمد قبل از مالیات یا ۰.۵ درصد از کل دارایی‌ها).

^{۶۸} کمیته نظارت بانکی بازل، حسابرسی‌های مستقل بانک‌ها، مارس ۲۰۱۴.

که در آن حسابرسان مستقل در برابر تعقیب یا اقدام قانونی هنگامی که افشای اطلاعات محرمانه اشخاص ثالث اتفاق می‌افتد، مصونیت دارند (حوزه امن^{۶۹}). اگر مصونیت برای چنین حوزه امنی موجود نباشد، حسابرسان مستقل می‌توانند به اقدامات جایگزین متوسل شوند. برای نمونه آنها می‌توانند از طریق مدیریت بانک تصمیم به گزارش غیرمستقیم مسائل محرمانه به ناظرین بگیرند. از سوی دیگر حسابرسان مستقل می‌توانند همچنین کسب آشکار موافقت از هیئت مدیره و مدیریت را برای اجازه افشای اطلاعات محرمانه به ناظرین در نظر بگیرند.^{۷۱}

با این وجود، نمونه‌هایی وجود دارد که در آن حسابرسان مستقل بطور اختیاری تصمیم به گزارش مسائلی می‌گیرند که خارج از دامنه وظایف آنها قرار دارد، هرچند که در نهایت می‌تواند توجه ناظرین بانکی را جلب کند. چنین موردی ممکن است در صورتیکه حسابرس مستقل نارسایی‌های قابل توجهی در فرآیندهای کنترل داخلی، یا ساختارهای تجاری مبهمی برای دور زدن مقررات مالی کشف کند، اتفاق افتد.^{۷۲}

فارغ از دامنه همکاری و تبادل اطلاعات، استقلال طرف‌های مختلف نباید مختل شود و هر طرف باید در موقعیتی قرار گیرد تا بطور مستقل در دامنه قانونی و مسئولیت‌های مرتبط به خود فعالیت کند. مرزهای مشخص مسئولیت باید وجود داشته باشد و تمامی طرفین باید از رعایت نظام‌های رازداری مطمئن شوند.

ارتباطات بین طرفین می‌تواند در قالب گزارش‌های کتبی یا گفتگوهای شفاهی مانند نشست‌های دوره‌ای یا ویژه بصورت رسمی و غیررسمی انجام شود. نشست‌ها می‌توانند ماهیت دوجانبه (یعنی بین حسابرس مستقل و ناظر) یا ماهیت سه جانبه (یعنی بین حسابرس مستقل، ناظر و رئیس کمیته حسابرسی) داشته باشند. بطور سیستماتیک بانک‌های مهم ترغیب به برگزاری نشست‌های سه جانبه شده‌اند.^{۷۳} و ناظرین هم ترغیب به نوشتن گزارش‌های کتبی در مورد مسائل مهم و تبادل آنها با مدیریت، هیئت مدیره و حسابرسان مستقل می‌شوند.^{۷۴}

اسناد مکتوب می‌توانند شامل گزارش‌های مبسوط در مورد صورت‌های مالی حسابرسی شده‌ای باشد که تسلیم ناظرین می‌شوند در حالیکه برای عامه مردم قابل دسترسی نیستند.

در یک بررسی جالب که توسط مجمع مستقل مقررات‌گذاران (نهادهای ناظر) حسابرسی مستقل^{۷۵} (IFIAR)^{۷۶} انجام شد، کیفیت کاری حسابرسان مستقل تحلیل شد. این سازمان اطلاعات بازرسی‌های کیفیت حسابرسی‌های مستقل نهادها با منافع عمومی، و موسسات مالی با اهمیت سیستماتیک^{۷۷} (SIFI) را جمع‌آوری کرد. سه حوزه اصلی از یافته‌های گزارش شده در سال ۲۰۱۴ برای موسسات مالی با اهمیت

⁶⁹ Safe Harbour

^{۷۰} دستورالعمل ۲۰۱۴/۶۵/تحدایه اروپا (MIFID II)، ماده ۷۷؛ دستورالعمل ۲۰۱۳/۲۶/تحدایه اروپا (CRD IV)، ماده ۶۳.

^{۷۱} کمیته نظارت بانکی بازل، حسابرسی‌های مستقل بانک‌ها، مارس ۲۰۱۴.

^{۷۲} همان‌جا.

^{۷۳} کمیته نظارت بانکی بازل، حسابرسی‌های مستقل بانک‌ها، مارس ۲۰۱۴.

^{۷۴} همان‌جا.

⁷⁵ Independent Forum of Independent Audit Regulators

^{۷۶} گزارش IFIAR درباره بررسی یافته‌های بازرسی، ۳ مارس ۲۰۱۵.

⁷⁷ Systemically Important Financial Institutions

سیستماتیک (SIFI) مربوط به حسابرسی ارزشیابی سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار (۲۷ درصد از یافته‌های حسابرسی‌های بررسی شده)، آزمون کنترل داخلی (۲۷ درصد) و حسابرسی ذخیره برای زیان‌های وام و کاهش ارزش وام (۱۷ درصد) می‌شد.

هر یافته لزوماً نشان دهنده نادرست بودن صورت‌های مالی نیست، هر چند که به این موضوع اشاره می‌کند که عملکرد حسابرس از سطح قابل انتظار پایین‌تر می‌رود که در صورت عدم افت می‌توانست نقش منافع عمومی حسابرسی را محقق کند. همچنین گویای این نکته است که حسابرسی در ارائه سطح اطمینانی برای صورت‌های مالی که مد نظر استانداردهای حرفه‌ای بوده و باید از آن اطمینان می‌داد، ناموفق عمل کرده است. اعتماد به حسابرس برای انجام چنین عملکرد اطمینان‌دهنده‌ای نباید وابسته به نتایج بررسی گذشته حسابرس باشد.

نسبت‌های سرمایه قانونی و همچنین دیگر شاخص‌های قدرت مالی مانند نسبت‌های نقدینگی و اهرمی، به همراه گزارش‌های مالی استاندارد بانک تولید می‌شوند، اما شیوه حسابرسی آنها متفاوت است. این موارد ممکن است باعث ایجاد شکاف انتظارات برای جامعه گردد: در واقع چیزی که ممکن است مورد توجه‌ترین شاخص یک بانک باشد حسابرسی نمی‌شود. حسابرسان مستقل می‌توانند وظایف اطمینان‌بخشی مرتبط با چنین نیازهای قانونی را انجام دهند (از جمله نسبت‌های سرمایه، دارایی‌های موزون به ریسک و نسبت‌های نقدینگی و اهرمی). الزامات بررسی مستقل اطلاعات سرمایه قانونی بطور تدریجی در کل دنیا تکامل یافته است؛ برخی از کشورها در دسترس بودن گزارش‌های اطمینان‌بخشی را اجباری می‌دانند و برخی تنها از موسسات مالی می‌خواهند تا مقررات‌گذاران را در جریان بگذارند، در حالیکه برخی دیگر درخواست هیچ نوع گزارشی را نمی‌کنند. با در نظر گرفتن اندازه و اهمیت بخش بانکداری - و خطر سیستماتیک که متوجه بازارهای مالی جهانی است - اعتباردهی و اطمینان‌بخشی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند.

ما برای نشان دادن اهمیت افزایش همکاری میان ناظرین بانک و حسابرسان مستقل، تحولات را در تعدادی از کشورها مورد بررسی قرار داده‌ایم:

۱. بریتانیا:

مقام مقررات‌گذار احتیاطی بریتانیا^{۷۸} (PRA) اخیراً سندی مشاوره‌ای^{۷۹} در مورد ارائه گزارش‌های کتبی توسط حسابرسان مستقل بزرگترین بانک‌های بریتانیا به این مقام به عنوان بخشی از چرخه حسابرسی قانونی منتشر کرده است. مقام مقررات‌گذار احتیاطی (PRA) از حسابرسان مستقل خواسته است که در نظارت بر شرکت‌ها با درگیر شدن مستقیم، فعالانه و سازنده برای حمایت از نظارت قضاوت محور و کمک به ارتقای ایمنی و صحت شرکت‌های تحت نظارت مقام مقررات‌گذار احتیاطی (PRA) مشارکت داشته باشند. بینش بدست آمده توسط حسابرسان حین حسابرسی‌های باکیفیت باید به افزایش اثربخشی رابطه میان حسابرسان و ناظر کمک کند.

⁷⁸ Prudential Regulation Authority

⁷⁹ مقام مقررات‌گذار احتیاطی، مشارکت بین حسابرسان مستقل و ناظرین و اجرای قدرت انتظامی PRA بر حسابرسان و اکچوئران مستقل، مقاله مشاوره‌ای، فوریه ۲۰۱۵.

در سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی مانند مشارکت نزدیک‌تر و مکررتر میان ناظرین و حساب‌برسان مستقل صورت گرفته است. مقام مقررات‌گذار احتیاطی (PRA) به طور مستمر کیفیت ارتباط میان حساب‌برس و ناظر را پایش می‌کند. در یک نظرسنجی از حساب‌برسان مستقل ملاحظه شد که اکثراً این تعاملات را تنها «معقول» می‌دانستند و هدف مقام مقررات‌گذار احتیاطی (PRA) بهبود این تعاملات در بلندمدت است. به طور خاص در مواردی هم ناظرین و هم حساب‌برسان اعتقاد داشتند که امکان بهبود در زمینه صداقت در به اشتراک‌گذاری اطلاعات، تکرر اشتراک‌گذاری و موارد مورد بحث در جلسات دوطرفه وجود دارد.

۲. سوئیس:

سال‌هاست که مقام ناظر بازار مالی سوئیس^{۸۰} (FINMA) رویکردی دوگانه را پیش‌گرفته است که در آن بازرسی‌های در محل، به حساب‌برسان مستقل تاییدشده و دارای مجوز برون‌سپاری می‌شود. ارزیابی^{۸۱} اخیر صندوق بین‌المللی پول^{۸۲} نشان می‌دهد که نقاط ضعف عدیده‌ای در سیستم نظارت در کشور سوئیس وجود دارد. مقام ناظر بازار مالی سوئیس (FINMA) باید با هدف اطمینان از هماهنگی بیشتر در نظارت میان نهادها، راهنمایی‌های بیشتری در اختیار حساب‌برسان قرار دهد و همچنین باید کار حساب‌برسان را با بازرسی‌های عمیق خود از مسائل انتخاب شده تکمیل کند. علاوه بر این پرداخت به حساب‌برسان توسط نهاد تحت نظارت آن‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است و پرداخت به حساب‌برسان باید توسط صندوق تامین مالی اداره شده توسط مقام ناظر بازار مالی سوئیس (FINMA) انجام شود. صندوق بین‌المللی پول اشاره کرده که در سال‌های اخیر منابع نظارتی داخل و خارج از محل در مقام ناظر بازار مالی سوئیس (FINMA) افزایش یافته است ولی هنوز هم نیازمند تقویت است.^{۸۳} منابع کافی برای نظارت و تنظیم کل سیستم بانکی به گونه‌ای که با اصول اصلی نظارت بانکی از جمله کار کافی و عمیق در محل و نظارت بر کار نظارتی انجام شده توسط حساب‌برسان مستقل به ویژه برای بانک‌های کوچک و متوسط در دسترس نمی‌باشد.

۳. ایالات متحد آمریکا:

گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول^{۸۴} رابطه میان ناظرین و حساب‌برسان مستقل را مورد بررسی قرار داده و خاطر نشان کرده است که «ناظرین به صورت دوره‌ای با موسسات حساب‌برسی مستقل ملاقات می‌کنند تا مسائل مربوط به منافع مشترک در عملیات بانکی را مورد بحث قرار دهند.» صندوق بین‌المللی پول همچنین در این زمینه اشاره می‌کند که حساب‌برسان مستقل در گزارشگری مشکلات برای مقررات‌گذاران هیچ «فضای امن»ی ندارند. با این حال طبق بخش ۳۶۳ قانون صندوق بیمه سپرده فدرال^{۸۵} (FDIC)، در صورتی که بانکی از حساب‌برسان، اطلاعات نوشتاری مربوط به موردی از نقض دریافت کند باید تا ۱۵ روز به

⁸⁰ Financial Market Supervisory Authority

⁸¹ International Monetary Fund

⁸² گزارش کشوری صندوق بین‌المللی پول ۱۴/۱۴۳، سوئیس: ارزیابی ثبات بخش مالی، می ۲۰۱۴.

⁸³ گزارش کشوری صندوق بین‌المللی پول، ۱۴/۲۶۴، سوئیس: ارزیابی دقیق تطبیق - اصول اساسی بازل برای نظارت بانکی موثر.

⁸⁴ گزارش کشوری صندوق بین‌المللی پول ۱۵/۱۷۰، ایالات متحد: برنامه ارزیابی بخش مالی، ژوئیه ۲۰۱۵.

⁸⁵ Federal Deposit Insurance Corporation

ناظر در این مورد اطلاع دهد. این شکاف زمانی به نحوی از طریق ارتباط مستمر میان ناظرین و حسابرسان در جریان برنامه‌ریزی و بررسی کاهش می‌یابد. به علاوه هرچند ناظرین نمی‌توانند دامنه حسابرسی مستقل را تعیین کنند، می‌توانند حسابرسان را تشویق کنند تا موضوعات جدیدی را مشمول حسابرسی کنند. با این حال این گزارش نقاط ضعف مربوط به نداشتن قدرت قانونی برای اضافه کردن مسئله‌ای خاص به دامنه حسابرسی مستقل توسط ناظرین را برجسته می‌کند. به این معنی که ناظرین نمی‌توانند به مسائلی که به طور معمول در حسابرسی در نظر گرفته نمی‌شوند بپردازند.

۴- هنگ‌کنگ:

مقام پولی هنگ‌کنگ^{۸۶} (HKMA) تلاش‌های قابل‌توجهی را برای اطمینان از وجود کانال‌های ارتباطی مؤثر با حسابرسان مستقل انجام داده است. علاوه بر این توانایی این اداره برای صدور گزارش‌های حسابرسان مستقل با اهداف نظارتی، از رابطه میان مقام پولی هنگ‌کنگ (HKMA) و حسابرسان مستقل و درک نگرانی‌های نظارتی مقام پولی هنگ‌کنگ (HKMA) پشتیبانی می‌کند. با این حال گزارش اخیر صندوق بین‌المللی پول^{۸۷} حاکی از آن است که دو حوزه وجود دارد که مقام پولی هنگ‌کنگ (HKMA) در آن‌ها فاقد قدرت کافی است و چارچوب‌های قانونی می‌توانند بهبود یابند. اول اینکه مقام پولی هنگ‌کنگ (HKMA) وقتی در مورد صلاحیت یا استقلال یک حسابرس مستقل نگرانی وجود دارد، اختیاری برای رد انتصاب آن حسابرس ندارد و دوم اینکه مقام پولی هنگ‌کنگ (HKMA) قدرت مستقیم جهت دسترسی به اسناد کاری (پرونده‌های حسابرسی) حسابرس مستقل ندارد. حتی وقتی که مقام پولی هنگ‌کنگ (HKMA) قادر است پیامدهایی که به وسیله مسائل غیرمستقیم بوجود می‌آید را نشان دهد. با اینکه مقام پولی هنگ‌کنگ (HKMA) با وجود این محدودیت‌ها به کار خود ادامه داده است، قوانین مربوطه باید اصلاح شوند.

۵,۲. رابطه میان حسابرسان داخلی و ناظرین

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی درخواست دارند که نقش حسابرسی داخلی در بانک‌ها افزایش یابد.^{۸۸} مأموران ادارات نظارتی ملی در پاسخ به بحران مالی جهانی (GFC) و تاثیر کلی آن روی در معرض ریسک بودن، جلساتی را در مورد ابزارها و فرآیندهای کنترل داخلی برگزار کرده‌اند.^{۸۹} فدرال رزرو^{۹۰} و مقام

⁸⁶ Hong Kong Monetary Authority

^{۸۷} گزارش کشوری صندوق بین‌المللی پول ۱۴/۱۳۱، جمهوری خلق چین - منطقه اداری ویژه هنگ‌کنگ، گزارش رعایت استانداردها و دستورالعمل‌ها، می ۲۰۱۴.

^{۸۸} نقش حسابرسی داخلی از دیدگاه مقررات‌گذاری در همگرایی بین‌المللی اندازه‌گیری سرمایه و استانداردهای سرمایه ۲۰۰۴ در بازل II تأکید شد. در این زمینه، بند ۱۶۵ بررسی کل فرایند مدیریت ریسک را حداقل تا یک سال با تمرکز ویژه بر فرایندهای داخلی مربوط به گزارشگری الزامات سرمایه قانونی به حسابرسی داخلی واگذار کرد. نمونه‌هایی از این فرآیندهای داخلی اعتبارسنجی تغییرات در فرایندهای اندازه‌گیری ریسک، تایید منابع داده‌ها و صحت تخصیص فرض‌های نوسان است.

^{۸۹} برنارد شریدان، مدیر حمایت از مصرف‌کننده، سخنرانی در کنفرانس IIA ایرلند، ۱۶ آوریل ۲۰۱۵؛ لوئیجی ماریانی، معاون رییس بخش نظارت، بانک ایتالیا، «سیستم‌های کنترل داخلی برای پولشویی»، سخنرانی در جلسه دهم در مورد انطباق، AICOM (Associazione Italiana Compliance)، 25 ژوئن ۲۰۱۴.

^{۹۰} فدرال رزرو، بیانیه خط‌مشی تکمیلی در مورد فعالیت حسابرسی داخلی و برون سپاری آن، ژانویه ۲۰۱۳.

بانکداری اروپا^{۹۱} (EBA)^{۹۲} و دیگر سازمان‌های نظارتی ملی در سراسر جهان هم به همین شکل نگرانی خود را از عدم مدیریت ریسک و حسابرسی داخلی مؤثر اعلام کرده‌اند. در پاسخ به این گونه نگرانی‌ها تدوین‌کنندگان استانداردهای بین‌المللی کارهای انجام شده توسط فعالیت حسابرسی داخلی را تقویت کرده‌اند و به عنوان مثال با معرفی بازل ۳ درخواست کرده‌اند که بر روی فرآیندهایی خاص در مباحث محاسبات ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک نقدینگی بازنگری‌های سالانه انجام شود.^{۹۳}

با این وجود بحثی جدی در مورد نقش حسابرسی داخلی در فروپاشی مؤسسات مالی در حال انجام است. کارهای زیادی در شناسایی نقص‌های مربوط باقی مانده است. محققان تاکنون تجزیه و تحلیل‌های خود را تنها به فعالیت حسابرسی داخلی محدود کرده‌اند. در حالی که این مطالعات شواهد مفیدی راجع به شرایط ارتباط میان صنعت بانکداری با اثربخشی سیستم‌های کنترل داخلی ارائه می‌دهند، معمولاً بر رابطه میان حسابرسی داخلی و دیگر ارکان ساختار کنترل داخلی (یعنی خطوط اول و دوم دفاعی) تمرکز دارند.^{۹۴}

به طور کلی تحقیقات در مورد اثر تعامل میان حسابرسان داخلی، ناظرین و حسابرسان مستقل در کارایی راهبری شرکتی اگر هم انجام شده باشد به نظر ناقص است. به طور خاص تاکنون شواهد نظری و عملی کمی در مورد میزان تناسب میان مدل سه خط دفاعی با راهبری شرکتی مؤسسات مالی وجود دارد. این شکاف چند راهکار مفید برای تحقیق در مورد این موضوع ارائه می‌دهد که در پاراگراف‌های زیر در مورد آن‌ها بحث می‌کنیم.

از آن جایی که مدل چهار خط دفاعی برای بهبود همکاری میان حسابرسان داخلی و طرف‌های برون-سازمانی (یعنی حسابرسی مستقل و ناظرین) ساخته شده، برای تعامل میان آن‌ها تعیین تکلیف بیشتری باید انجام شود به خصوص در مورد رابطه میان وظیفه حسابرسی داخلی و ناظرین.

در یک مدل چهار خط دفاعی، تعامل میان حسابرسی داخلی و ناظرین معنی خاصی پیدا می‌کند. از سویی به مقامات نظارتی اجازه می‌دهد تا بهترین شیوه‌ها را ارتقا دهند و ریسک‌ها را قبل از این که به مشکلات جدی تبدیل شوند شناسایی و به آن‌ها بپردازند. از سویی دیگر این مسئله باعث می‌شود که سیستم کنترل داخلی دقیق‌تر بر اساس چهار لایه کنترلی ساختار پیدا کند.

^{۹۱} European Banking Authority

^{۹۲} EBA، دستورالعمل‌های راهبری داخلی، سپتامبر ۲۰۱۱.

^{۹۳} برای نمونه، عطف به سیاست مقررات در اروپا، ماده ۷۴ دستورالعمل ۲۰۱۳/۳۶ / اتحادیه اروپا (CRD IV) حاوی مفاد کلی در مورد راهبری داخلی و کنترل بر قدرت مقام بانکداری اروپا (EBA) برای صدور راهکارها در این زمینه است. دستورالعمل‌های EBA در مورد راهبری داخلی اطلاعات مربوط برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه پیاده‌سازی اصول نظارتی در این زمینه فراهم می‌کند. پاراگراف ۲۹ دستورالعمل‌های EBA ویژگی‌های معین فعالیت حسابرسی داخلی اثربخش و مناسب را در موسسه مالی تعیین می‌کند. با این وجود، در غیاب قاعده دقیق هماهنگ‌سازی اتحادیه اروپا در مورد این موضوع، کشورهای عضو اتحادیه اروپا مسئول تعیین و پیاده‌سازی استانداردهای دقیق در رابطه با نظارت بر فعالیت حسابرسی داخلی هستند.

^{۹۴} در مورد اهمیت داشتن معیارهای کنترل دقیق و معین برای اجرای روش‌های راهبری خوب، در بین متون گسترده، SOH و مارتینوف-بنی، «فعالیت حسابرسی داخلی: ادراکات نقش‌های حسابرسی داخلی، اثربخشی و ارزیابی، مجله حسابرسی مدیریت، ۲۰۱۱، جلد ۲۶، نسخه ۷، صفحات ۶۲۲-۶۰۵» لنز و هاهن، «ترکیب تجربی منابع اثربخشی حسابرسی داخلی در اشاره به فرصت‌های جدید تحقیقاتی»، مجله حسابرسی مدیریت، ۲۰۱۵، جلد ۳۰، صفحات ۳۳-۵؛ چورس، دیلروی و مونرو، «فرایند حسابرسی داخلی و راهبری خوب: به سوی مدل تحقیق»، آکادمی تحقیقات کسب و کار، ۲۰۱۳، جلد ۱، صفحات ۵۸-۴۸، را ببینید.

اگر چه در چندین سیستم قضایی در سطح جهان، فعالیت حسابرسی داخلی بانک‌ها تا آنجا که برای تضمین صحت سازمان لازم است، مسئول است اطلاعات بااهمیت را فاش کند، این ارتباط یک طرفه و مهم-تر از آن نتیجه اختیارات ناظر مالی بر وظیفه حسابرسی داخلی است.^{۹۵} در واقع، این تعامل عمدتاً به ارزیابی نظارتی وظیفه حسابرسی داخلی مربوط است.

اصل ۲۶ کمیته نظارت بانکی بازل (BCBS) اصول اساسی برای نظارت بانکی مؤثر^{۹۶} تعیین می‌کند که ناظر باید اطمینان دهد که بانک‌ها چارچوب‌های کنترل داخلی کافی برای ایجاد و نگهداری فعالیت مناسب محیط عملیاتی را دارند و اینکه پروفایل ریسک ویژه آن‌ها را در نظر می‌گیرد. این سنجش برای تضمین فعالیت حسابرسی داخلی مستقل به عنوان جزئی اساسی از چارچوب کلی و کافی کنترل داخلی است. برای این منظور، این سند معیار مورد استفاده توسط ناظر برای ارزیابی اینکه آیا مؤسسه فعالیت حسابرسی مستقل، دائمی و اثربخش دارد را تعریف می‌کند.

با این حال تمرکز دقیق‌تر روی کانال ارتباطی مستقیم میان حسابرسی داخلی و ناظرین یکی از نکات اصلی سند کمیته نظارت بانکی بازل (BCBS) است. اصل ۱۶ فعالیت حسابرسی داخلی در بانک‌ها بیان می‌کند که «ناظرین باید ارتباط منظمی با حسابرسان داخلی بانک داشته باشند تا (۱) در مورد حوزه‌های ریسک مشخص شده توسط دو طرف بحث شود، (۲) اقدامات کاهنده ریسک که توسط بانک اتخاذ می‌شود را درک کنند، و (۳) نقاط ضعف مشخص شده و پاسخ بانک به این نقاط ضعف را پیش کنند.»^{۹۷}

قراردادن یک لایه چهارم در طراحی چارچوب کنترل داخلی، به ویژه در مورد روش چرخش اطلاعات میان حسابرسی داخلی و ناظرین دلالت‌های عملی خواهد داشت. با توجه به این مدل، ناظرین به اندازه‌ای اطلاعات دریافت می‌کنند که گویی بخشی از ساختار داخلی سازمان بوده‌اند و به اندازه دیگر واحدهای کسب‌وکار داخلی در اثربخشی فرآیند کنترل مدیریت ریسک مؤسسه مالی درگیر هستند. همچنین مقامات نظارتی تاجایی که باعث افزایش اثربخشی کار حسابرسی داخلی شود، اطلاعات مربوطه را با فعالیت حسابرسی داخلی به اشتراک خواهند گذاشت و به این طریق کانال اطلاعاتی دو طرفه شده و منافع حسابرسی داخلی و ناظرین به طور یکسان تامین می‌شود.^{۹۸}

این امر می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر تعامل میان وظیفه حسابرسی داخلی و ناظرین داشته باشد و همچنین می‌تواند حسابرسان داخلی را ترغیب به ارائه اطلاعات حتی به صورت داوطلبانه کند. در این دیدگاه نظریه-های روانشناسی اجتماعی، افشای اطلاعات را ارزشمند می‌دانند به این دلیل که می‌توان از آن ایده‌هایی موفق برای طراحی مکانیسم/ساختار ارتباطات میان حسابرسی داخلی و ناظرین به دست آورد. محققان

^{۹۵} در این میان، Deutsche Bundesbank، KWG - Gesetz über das Kreditwesen، ژانویه ۲۰۱۵؛ بانک ایتالیا، Disposizioni di vigilanza prudenziale per le banche، شماره بخشنامه ۲۸۵، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳، IV(3)، Wet Financieel Toezicht، بخش ۳:۱۷ (۲)، هلند؛ و مقام پولی هنگ کنگ، راهنمای سیاست نظارتی - حسابرسی داخلی، ژوئیه ۲۰۰۹ را ببینید. برای تحلیل مقایسه‌ای، کنفدراسیون اروپایی انجمن حسابرسی داخلی، حسابرسی داخلی بانکی در اروپا، برلین، ۲۰۰۹، را ببینید.

^{۹۶} کمیته نظارت بانکی بازل، اصول اساسی برای نظارت بانکی مؤثر، سپتامبر ۲۰۱۲.

^{۹۷} کمیته نظارت بانکی بازل، فعالیت حسابرسی داخلی در بانک‌ها، ژوئن ۲۰۱۲.

^{۹۸} در این رابطه، کمیته نظارت بانکی بازل را ببینید، فعالیت حسابرسی داخلی در بانک‌ها، ۷۵§، ژوئن ۲۰۱۲.

اثبات کرده‌اند که مردم بیشتر رغبت دارند اطلاعات را به افرادی بدهند که به آن‌ها اعتماد دارند و با هم داد و ستد اطلاعات دارند.^{۹۹} با این حال این نتیجه مؤید این مسئله نیست که رابطه سنتی و سلسله‌مراتبی میان ناظر و اشخاص تحت نظارت باید جایگزین شود بلکه می‌گوید که این رابطه باید یکپارچه شود. آن گونه که شواهد تجربی نشان می‌دهند، افشای اطلاعات همواره به نفع بانکداران نیست، حداقل اگر انگیزه‌ای یا پاداشی برای آن وجود نداشته باشد.^{۱۰۰}

بر اساس ادبیات موضوع و آگاهی از یافته‌های متناقض میان کارهای انجام شده در مورد اقتصاد رفتاری و خودافشایی اطلاعات، ممکن به نظر می‌رسد که با استفاده از مفهوم‌سازی، الگوهای ارتباطات دوجانبه میان حسابرسی داخلی و ناظرین هماهنگ شوند و بهبود یابند. با استفاده از مدل چهار خط دفاعی فرض می‌کنیم که رسیدن به هر دو باید ممکن باشد:

رابطه عمودی: ماهیت این رابطه نتیجه حکمی است که به ناظر بانک سپرده شده است. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که ناظر کیفیت فعالیت حسابرسی داخلی را ارزیابی می‌کند. این اساساً یک رابطه سلسله‌مراتبی است که در آن حسابرسی داخلی تابع و تحت بررسی ناظر است.

و

رابطه افقی: این رابطه زمانی بوجود می‌آید که ناظر به عنوان بخشی از سیستم کنترل داخلی شناخته می‌شود و در یک رابطه افقی که در آن با طرف دیگر در یک سطح است درگیر کار می‌شود. ناظر باید با به اشتراک گذاشتن اطلاعات مربوط به ریسک و اقدامات کاهنده ریسک به طور متقابل به طرف دیگر اطلاعات دهد که این خود نشان‌دهنده همکاری با حسابرسی داخلی در سطح یکسان است. ناظر باید این رابطه را مدیریت کند و به بی‌میلی حسابرسی داخلی برای افشای اطلاعات محرمانه فائق شود.

در این زمینه، یکی از مسائل اصلی که به وجود می‌آید، رفتار اطلاعات است. از آنجا که این مدل برای کاهش اطلاعات نامتقارن میان طرفین درگیر در نظر گرفته شده است باید آن را با این فرض اجرا کرد که کار با اطلاعات (رفتار اطلاعات) برای موثرتر کردن سیستم کنترل ریسک است. در زمان تصمیم‌گیری برای افشاء یا عدم افشای اطلاعات نظارتی عمومی و خصوصی و نحوه افشاء، ناظرین با چالش‌هایی در مورد جمع‌آوری اطلاعات از مؤسسات مالی و افشای این اطلاعات درگیر هستند. به هر حال، مسئولیت حسابرس داخلی در مورد افشای اطلاعات محرمانه به اشخاص ثالث باید مورد توجه قرار گیرد. اگر حسابرسان داخلی با حسن‌نیت اطلاعات محرمانه را افشا کنند باید در برابر دادرسی از آن‌ها محافظت شود (به اصطلاح ساحل امن) چون که چنین حفاظت قانونی برای حسابرسان مستقل وجود دارد.^{۱۰۱} اگر چنین محافظتی

^{۹۹} سانس‌تین، "اقتصاد رفتاری و پدر سالاری"، مجله قانون ییل، ۲۰۱۲؛ اورنستین و دانی، "تحقیقی بین فرهنگی، از خود افشاگری"، مجله علمی روانشناسی آمریکای شمالی، ۲۰۰۳، ۵ (۳)، صفحات ۳۸۶-۳۷۳؛ آنتاکی، بارس و لئودار، "خود افشاگری به عنوان یک تمرین تعاملی"، مجله انگلیسی روانشناسی اجتماعی، ۲۰۰۵، ۴۴ (۲)، ۱۸۱-۹۹.

^{۱۰۰} استبرگ، "افشاگری، سرمایه گذاری و مقررات"، مجله واسطه‌گری‌های مالی، ۲۰۰۶، جلد ۱۵، صفحات ۳۰۶-۲۸۵؛ هرتربرگ، لیبرتی و پاراویسینی، "اطلاعات و انگیزه‌های در داخل شرکت"، مجله تامین‌مالی، ۲۰۰۹؛ اورلوف "طراحی بهینه از افشاگری داخلی"، مقاله کاری مدرسه کسب و کار سیمون، ۲۰۱۵، شماره ۶.

^{۱۰۱} استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۶۱۰ را ببینید.

وجود نداشته باشد فرض تقویت تعامل از طریق مدل چهار خط دفاعی نقض می‌شود چون حسابرسی داخلی از همکاری می‌ترسد. چنین وضعیتی باعث عدم بهبود میزان و کیفیت اطلاعاتی خواهد شد که در اختیار ناظرین قرار می‌گیرد.

علاوه بر این اعطای نقش به ناظر در سیستم کنترل داخلی ممکن است استقلال و بی‌طرف بودن او را به خطر بیندازد. به عبارت دیگر ایجاد کانال‌های ارتباطی عمیق‌تر و گسترده‌تر شاید تاحدی باعث ورود و تاثیرگذاری ناظر در راهبرد یا مدل کسب‌وکار مؤسسه شود که به نوبه خود ممکن است ایجاد کننده دخالت‌های بیجا در تصمیمات مؤسسه به عنوان نهادی خصوصی شود.

به طور کلی تر طبق شواهد حکایت‌شده، اعمال الزامات افشای اطلاعات بیشتر (بدون تعیین مناسب قواعد و مرزبندی‌ها) ممکن است اثرات منفی داشته باشد و موجب شود که طرف‌های درگیر در لایه چهارم رفتار خود را تغییر دهند. این موضوع باعث تشدید مشکل خطر اخلاقی به ضرر اثربخشی سیستم کنترل داخلی خواهد شد.^{۱۰۲} در واقع افزایش میزان اطلاعات، به خودی خود مناسب نیست و حتی شاید باعث کاهش تاثیر و کارایی سیستم کنترل شود^{۱۰۳} که می‌تواند یکی از اثرات منفی محتمل افشای اطلاعات نظارتی باشد.

در این راستا مدل چهار خط دفاعی نیازمند تنظیم جدیدی از فرآیندها و قواعد به خصوص در مورد میزان مورد نیاز و مجاز به اشتراک گذاری اطلاعات توسط حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل و ناظرین است.

این قواعد باید طبقه‌بندی اطلاعاتی را که ممکن است به اشتراک گذاشته شوند را مشخص کند و تعیین کند که این اطلاعات به چه کسانی باید داده شود. همچنین آن‌ها باید روشی برای به‌دست آوردن و حفاظت از اسناد و مدارک محرمانه و برای گذاشتن آن‌ها در اختیار تعداد محدودی دریافت‌کننده ایجاد کنند. ما نیاز به فرآیندهای رسمی‌سازی از جمله سازمان جلسات و اسناد مربوط به آن‌ها برای پایش موضوعات مورد بحث (نتایج واقعی و مورد انتظار) را تصدیق می‌کنیم. ما همچنین اهمیت زیادی برای تضمین سطح مشخصی از انعطاف‌پذیری برای تشکیل جلسات ویژه در صورت نیاز توسط هر دو طرف قائل هستیم.

بنابراین ما نیاز به ایجاد استانداردها در مورد چگونگی تقویت روابط با متعادل کردن تعهد ناظر برای ارزیابی فعالیت داخلی با نقش مشارکتی‌اش در حفظ یک رابطه باز و سازنده کاری با هدف به اشتراک گذاری اطلاعات، شناسایی می‌کنیم.

^{۱۰۲} در صورت عدم وجود موافقتنامه افشا در مورد رفتار اطلاعات، حسابرسی داخلی یک بانک ممکن است اطلاعات محرمانه در مورد وضعیت بانک دیگری به دست آورد.

^{۱۰۳} همین مشکل برای مثال در زمانی روی می‌دهد که دولت می‌بایست به صورت بهینه‌ای اطلاعات مربوط به دارایی‌های بانک‌ها را در خلال یک بحران مالی افشا کند: رجوع شود به فاریا ای کاسترو، مارتینز و فیلیپون، رانز در مقابل لیمونز: افشای اطلاعات، ظرفیت اقتصادی و ثبات مالی، دفتر ملی تحقیقات اقتصادی، ۲۰۱۵.

از دیدگاه سازمانی پیشنهاد می‌کنیم که «نقش ارزیاب» (رابطه عمودی) از «نقش همکار» (رابطه افقی) جدا شود، به عنوان مثال با الزام مقامات نظارتی برای تخصیص افراد/تیم‌های متفاوت برای هر نقش ارزیابی و همکاری.

از آنجایی که نقش و مسئولیت‌های حسابرسان داخلی با ناظرین بانکی از نظر قضائی متفاوت است، سیاست‌گذاران و مقررات‌گذاران باید این فاصله قضائی را مرتفع کنند و لیستی یکپارچه و مرتبط از شیوه‌های استوار برای پیاده‌سازی رویکردی کلی‌گراتر از چارچوب کنترل ریسک تهیه کنند تا بتوانند نقشی خاص به حسابرسان مستقل دهند. بنابراین از دیدگاه قانون‌گذاری بسیار مهم است که به ریسک‌های بالقوه مربوط به فقدان قوانینی دقیق و هماهنگ در حوزه رابطه میان ناظرین و حسابرسان داخلی پرداخته شود. این شکاف ممکن است باعث بوجود آمدن سطح مشخصی از انعطاف‌پذیری در ایجاد و حفظ این رابطه شود که خود در نهایت منجر به نابرابری در میزان مسئولیت مؤسسات مالی و ناظرین در به اشتراک گذاشتن اطلاعات شود.

۵.۳. رابطه بین حسابرسان داخلی و مستقل

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، یک ویژگی مشترک مسئولیت‌های هر دو طرف، فراهم‌آوردن امکان ارزیابی مستقل است. در حالی که حسابرس مستقل بر روی صورت‌های مالی تمرکز کرده و موظف است اعتبار صورت‌های مالی را از نظر عدم وجود هر گونه تحریف بااهمیت بررسی نماید، حوزه فعالیت‌های حسابرس داخلی بسیار وسیع‌تر بوده و شامل مواردی از قبیل ارزیابی کارآیی و اثربخشی عملیات شرکت، قابلیت اعتماد و یکپارچگی فرآیندهای گزارشگری و انطباق با قوانین و مقررات می‌شود.

در کل، چنان‌چه از کار حسابرسان داخلی به منظور حسابرسی مستقل استفاده شود، جای انتقاد دارد. گزارش اخیر بازرسی هیئت ناظر بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^{۱۰۴} (PCAOB) به صورت انتقادی ذکر می‌کند که در بسیاری از نمونه‌ها، حسابرس مستقل مبنای کافی برای اتکا به کار واگذار شده به دیگران ندارد.^{۱۰۵} به علاوه، مطالعه‌ای که اخیراً در مورد بخش‌های حسابرسی داخلی در آمریکای شمالی منتشر شد نشان می‌دهد که بیش از ۵۰٪ پاسخ‌دهندگان پیش‌بینی کردند تعداد ساعات کاری واحدهای حسابرسی داخلی به جهت ارائه کمک مستقیم به حسابرسان مستقل، افزایش پیدا کند.^{۱۰۶}

با این وجود، از طریق هم‌سوساختن بهتر برنامه‌ها و الگوهای حسابرسی و استفاده از جلسات هماهنگی میان حسابرسان داخلی و مستقل جهت پرهیز از دوباره‌کاری، می‌توان مزایای کار برای هر دو طرف را به

¹⁰⁴ Public Company Accounting Oversight Board

¹⁰⁵ PCAOB یک شرکت غیرانتفاعی تاسیس شده توسط کنگره برای نظارت بر حسابرسی شرکت‌های دولتی به منظور حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران و پیشبرد منافع عمومی در تهیه گزارش‌های حسابرسی آگاهی‌بخش، دقیق و مستقل است.

¹⁰⁶ انجمن حسابرسان داخلی، نقش‌های متقابل - پرورش روابط کاری موثر در میان حسابرسی مستقل، حسابرسی داخلی، و کمیته حسابرسی، مارس

حداکثر رساند. به علاوه، هر دو طرف باید در همان ابتدای فرآیند حسابرسی در مورد هر آنچه حسابرس مستقل برای استفاده از کار آزمون کنترل‌های حسابرسی داخلی نیاز دارند، با هم هماهنگ کنند.^{۱۰۷}

حسابرسان مستقل ممکن است در شرایطی خاص به کار حسابرسان داخلی اتکا کنند: نخست، حسابرسان مستقل لازم است مشخص کنند که آیا در حوزه قضایی که آنها قرار دارند، مراجع ذیصلاح به آنها اجازه می‌دهند از کمک مستقیم حسابرسان داخلی بهره‌جویند. در برخی از حوزه‌های قضایی به صورت خاص اتکاء حسابرسان مستقل برای کاری که توسط حسابرسان داخلی انجام می‌شود را ممنوع می‌کنند. در جاهایی که این‌گونه نظام‌های «برون‌سپاری» مجاز است، حسابرسان مستقل ابتدا باید اثربخشی، استقلال و بی‌طرفی واحد حسابرسی داخلی را در نظر گرفته و نیز میزان کیفیت کار و مهارتشان را ارزیابی نمایند و سپس واگذاری اجرای برخی وظایف معین حسابرسی به آنها را مد نظر قرار دهند. حسابرسان مستقل تشویق می‌شوند که حداقل کار ممکن را به واحد حسابرسی داخلی محول کرده و بیشتر خودشان به‌طور مستقیم کارها را انجام دهند تا اطمینان حاصل شود به‌اندازه کافی در فرآیند حسابرسی درگیر بوده‌اند.^{۱۰۸}

پیش از استفاده از کار حسابرسان داخلی، چندین مورد باید انجام پذیرد: باید حسابرسان مستقل تاییدیه کتبی از «نماینده مجاز» موسسه مالی تحت بررسی دریافت کنند تا اطمینان حاصل شود که حسابرسان داخلی می‌توانند بدون محدودیت وظایفشان در قبال حسابرسان مستقل را انجام دهند. به علاوه، حسابرسان داخلی باید به‌طور کتبی متعهد شوند که تمام موارد خاص را مطابق با دستورالعمل اعلام‌شده از سوی حسابرسان مستقل، محرمانه نگاه خواهند داشت. آنها باید هر گونه موردی که ممکن است بی‌طرفی آنها را به خطر اندازد را به حسابرسان مستقل اطلاع دهند.^{۱۰۹}

در زمان اجرای عملیات رسیدگی، لازم است حسابرسان مستقل از نزدیک کار حسابرسان داخلی را نظارت و بررسی نمایند.^{۱۱۰} حسابرسان مستقل باید تمام شواهد و یافته‌هایی که توسط حسابرسان داخلی به دست آمده است را مورد تردید قرار دهند. آنها باید متقاعد شوند که حسابرسان داخلی شواهد و یافته‌های کافی در حمایت از نتیجه‌گیری‌هایشان دارند. در سرتاسر اجرای عملیات رسیدگی، حسابرسان مستقل باید حواسشان باشد که ممکن است ارزیابی‌های حسابرسان داخلی ناکافی باشد.

به طور موازی، حسابرس داخلی ممکن است به تبادل دیدگاه‌ها با حسابرس مستقل بپردازد.

اگرچه حسابرسی داخلی نیازمند آن است که بینش‌های دقیق‌تری از سازمان به دست آورد، ولی در عین حال می‌تواند از ارزیابی حسابرس مستقل در مورد موسسه تحت بررسی، بهره‌جسته و از تجربه حسابرس مستقل در کار با سایر سازمان‌های فعال در آن صنعت، استفاده کند. چندان رایج نیست که حسابرسی داخلی کار خود را به حسابرسان مستقل بسپارد. در مقابل، جهت اطمینان یافتن از حفظ استقلال خدمت-

^{۱۰۷} همان ماخذ.

^{۱۰۸} ISA 610 (تجدید نظر شده ۲۰۱۳)، با استفاده از کار حسابرسان داخلی و اصلاحات منطبق بر آن. مارس.

^{۱۰۹} همان ماخذ.

^{۱۱۰} ISA 200، اهداف کلی حسابرسی مستقل و انجام حسابرسی طبق استانداردهای بین‌المللی حسابرسی، بند ۱۱.

دهنده‌ای که کار به او سپرده شده است، توصیه می‌شود حسابرسی داخلی انجام کارهای خودش را به سایر موسسات، غیر از موسسه‌ای که مسئولیت حسابرسی مستقل را برعهده دارد، واگذار کند.^{۱۱۱}

توصیه عملی ۲۴۴۰-۱ از IIA تصریح می‌کند که منشور حسابرسی داخلی یا سیاست سازمانی ممکن است تعیین کند که نتایج حسابرسی باید به اطلاع «سایر طرف‌های علاقه‌مند یا تحت‌تاثیر» همانند حسابرسان مستقل رسانده شود.^{۱۱۲} چنانچه حسابرس داخلی اطلاعات بسیار حساسی پیدا کرده و تصمیم بگیرد حسابرس مستقل را خارج از سلسله مراتب عادی در جریان بگذارد، این عمل تحت عنوان افشاجری بیرونی به حساب خواهد آمد. در چنین موردی، حسابرس داخلی باید ارزیابی کند که آیا مرجع ناظر محلی از وی در برابر دعاوی حقوقی محافظت خواهد کرد.^{۱۱۳} به‌طور کلی، تبادل ارتباطات کتبی و گزارش‌های حسابرسی استاندارد بسیار توصیه می‌شود. متداول است که حسابرس داخلی تمام گزارش‌های حسابرسی را برای حسابرس مستقل ارسال کرده و به‌طور مشابه، حسابرس مستقل نیز نسخه‌ای از گزارش خود را در اختیار حسابرس داخلی قرار داده و در جلسه‌ای با حضور دو طرف، موارد مهم آن را برای وی توضیح دهد.

یکی از نقاط محل اختلاف در رابطه میان حسابرسان داخلی و مستقل، پرسش در مورد مسئولیت طرفین در زمینه پیگیری پیشنهادات حسابرسی مستقل است. در کل، فرآیندهای پیگیری برای اطمینان از این‌که برنامه‌های اقدام مدیریت به‌موقع و به‌نحو مناسب اجرا شده‌اند، ضروری هستند. استاندارد ۲۴۰۲ انجمن کنترل و حسابرسی سیستم‌های اطلاعاتی^{۱۱۴} (ISACA) مقرر می‌کند که حسابرسان مستقل می‌توانند انجام پیگیری را به واحد حسابرسی داخلی واگذار کنند. در این حالت، منشور حسابرسی یا موافقت‌نامه‌های حسابرسی باید صراحتاً چنین مسئولیت‌هایی را قید نمایند.

۵,۴. گذار از سه خط دفاعی به چهار خط دفاعی: جستجویی با هدف طراحی یک مدل کارآمد برای موسسات مالی

این مقاله، اتکا متداول به مدل سه‌خط دفاعی را زیر سوال برده و ثابت می‌کند که این مدل در ساختارهای شرکتی «پیچیده»، نظیر آنچه در موسسات مالی دیده می‌شود، چندان کارآمد نیست. پاشنه آشیل مدل سه خط دفاعی، فقدان یک دید جامع نسبت به ساختار سازمانی است. این نتایج سبب می‌شود که اطلاعات مربوط به نحو کمتر بهینه‌ای توزیع شده و معیارهای کنترلی ناکارآمد در سطوح مختلف سازمان به کار گرفته شود. به‌علاوه، کاستی‌های این مدل در درک سیاست‌های ریسک‌پذیری سازمان، و اثرات درونی و بیرونی آن بر موسسه مالی منفرد، و نیز شیوه تفسیر داده‌های مربوط در این مدل، در کنار کوتاهی‌های فرهنگی و رفتاری، به‌عنوان رایج‌ترین دلایل رسوایی‌های شرکتی اخیر در صنعت مالی، استدلال می‌شود. این‌ها درس‌هایی است که تردیدهای بسیاری را در مورد کارایی مدل سه‌خط دفاعی مطرح کرده و ما را به سوی یافتن مدل‌های جایگزین سوق می‌دهد.

^{۱۱۱} انجمن حسابرسان داخلی، عملکرد مشاوره‌ای ۲۰۵۰-۳، با تکیه بر کار سایر اطمینان دهندگان، اکتبر ۲۰۱۰.

^{۱۱۲} انجمن حسابرسان داخلی، عملکرد مشاوره‌ای ۲۴۴۰-۱، انتشار نتایج، ژانویه ۲۰۰۹.

^{۱۱۳} انجمن حسابرسان داخلی، عملکرد مشاوره‌ای ۲۴۴۰-۲، مکاتبه اطلاعات حساس در داخل و خارج از زنجیره دستور، می ۲۰۱۰.

این امکان وجود دارد که بر روی ساختار سه خط دفاعی کار کرده و تلاش کرد مدلی «نزدیک‌تر به واقعیت» پیشنهاد داد که در آن برخی مشوق‌ها با هدف ارتقای درجه استقلال و حرفه‌ای‌گری گنجانده شده باشد. با این وجود، هرچند اتخاذ چنین رویکردی می‌تواند کمک کند تا برخی از کاستی‌های کنونی برطرف شود، ولی همچنان مشکل نقص اطلاعات پابرجا خواهد ماند: فقدان اطلاعات بااهمیتی که برای اطمینان از این که سیستم‌های ریسک و کنترل داخلی که قادرند ریسک‌هایی که موسسات مالی در معرض آن قرار دارند را ارزیابی، اندازه‌گیری، مدیریت و برطرف نمایند، ضروری است. چنانچه مدل سه خط دفاعی، آن‌طور که نظریه‌پردازان پیش‌بینی می‌کردند، نوش‌داروی عملکرد ضعیف شرکت و مدیریت ریسک گمراه‌کننده بود، تا این حد هر روز از ناظرین درخواست نمی‌شد تا فعالانه درگیر برقراری گفتگویی دوطرفه شده و نقشی انسجام‌بخش ایفا کنند.^{۱۱۵}

انتقال به روش چهار خط دفاعی، با تعامل نزدیک‌تر میان حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل و ناظرین همراه خواهد بود. اگرچه، معمولاً انتظار می‌رود حسابرسان داخلی، حسابرسان مستقل و ناظرین تعاملات نزدیکی با هم داشته باشند، ولی پژوهش‌های تجربی نشان داده است که واقعیت با آن‌چه نظریه‌ها پیش‌بینی می‌کنند، متفاوت است.^{۱۱۶}

در بسیاری از کشورها، ناظرین بر کار انجام‌شده توسط حسابرسان مستقل، مثلاً با استفاده از آن‌ها برای بازرسی‌های در محل، متکی هستند.^{۱۱۷} در بیشتر حوزه‌های قضایی، حسابرسان موظفند در مورد موضوعاتی خاص به ناظرین بانکداری گزارش داده یا هشدار بدهند. در اتحادیه اروپا، بند (۲) ۱۲ مقررات شماره ۵۳۷/۲۰۱۴ اروپایی در مورد الزامات خاص حسابرسی قانونی واحدهای تجاری سهامی عام،^{۱۱۸} الزاماتی را شامل می‌شود که تصریح می‌کند " باید بین مراجع ذی‌صلاح قابل اطمینان که بر موسسات اعتباری نظارت می‌کنند از یک سو، و حسابرس(های) قانونی و موسسات حسابرسی که کار حسابرسی قانونی آن موسسات را انجام می‌دهند از سوی دیگر، گفتگوی دوطرفه کارآمد برقرار شود." هر چند، عدم وجود یک گفتگوی

^{۱۱۵} بانک انگلستان، مشارکت بین حسابرسان مستقل و ناظرین و شروع قدرت انتظامی PRA در مورد حسابرسان و اکچوئران مستقل، مقاله مشاوره | EBA، CP8 / 15، مشاوره در مورد دستورالعمل‌های پیشنهادی ارتباط بین مقامات صالح نظارت بر موسسات اعتباری و حسابرسی‌های قانونی، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۱۱۶} به فریاکو و لینکولن، ناظرین مالی و حسابرسان مستقل: همکاری برای ثبات مالی، سپتامبر ۲۰۱۵، نگاه کنید. مرکز اصلاح گزارشگری مالی (CFRR)، بانک ملی اتریش، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵، وین - همچنین برای داشتن تصویری دقیق از مقررات ملی در گرو.
^{۱۱۷} پچیولی، "نظارت احتیاطی در بانکداری"، مقاله کاری OECD، 1987.

^{۱۱۸} جدیدترین تعریف نهادهای با منافع عمومی (PIE)ها در اتحادیه اروپا در ماده (۱۳)۲ دستورالعمل (۱) ۵۶/۲۰۱۴ / اتحادیه اروپا به شرح زیر آمده است: "نهادهای عام‌المنفعه" عبارتند از:

(ا) اشخاص تحت راهبری قانون یک کشور عضو که اوراق بهادار قابل انتقال برای تجارت در یک بازار تنظیم شده از هر کشور عضو در بند ۱۴ ماده (۴) دستورالعمل EC / ۳۹/۲۰۰۴ پذیرفته شده است را داراست.

(ب) مؤسسات اعتباری با عنوان تعریف شده در بند ۱ ماده ۴۳ (۱) دستورالعمل ۳۶/۲۰۱۳ / اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا و شورا، به غیر از موارد مندرج در ماده ۲ این دستورالعمل؛

(ج) شرکت‌های بیمه در ماده (۲) دستورالعمل ۶۷۴/۹۱ EEC؛ یا

(د) شرکت‌های تعیین شده توسط کشورهای عضو به عنوان نهادهای عام‌المنفعه، به عنوان مثال شرکت‌هایی که به لحاظ ماهیت کسب و کار خود، اندازه آنها و یا تعداد کارکنان آنها اهمیت قابل توجهی دارند."

دوطرفه و رابطه بین حسابرسان و ناظرین محتاط در دوران پیش از بحران، به‌عنوان یک ضعف عمده شناسایی شد.^{۱۱۹} موارد متعددی در طول یک دهه گذشته نشان داده است که حتی وقتی گفتگوی دوطرفه برقرار شده بود نیز ناظرین و حسابرسان مستقل انگیزه کافی برای مشارکت در انجام وظایف یکدیگر نداشتند. کاوشی که اخیراً توسط بانک انگلستان انجام گرفته است نشان می‌دهد که اگرچه ۷۰٪ از ناظرین به اطلاعات حسابرسی، به صورت مستقیم یا از طریق نظارت بر بانک، دسترسی داشتند، تنها ۵۰٪ از آنها این اطلاعات را به‌عنوان بخشی از بازرسی‌های منظم خود از بانک‌ها، بررسی کردند.^{۱۲۰} به‌علاوه، تنها تعداد اندکی از ناظرین به ضمیمه صورت‌های مالی، درخواست ارائه گزارش حسابرسی تفصیلی^{۱۲۱} (LFAR) نمودند. همان‌طور که گفته شد، شواهد تجربی این پرسش را پیش رو می‌گذارد که آیا کار انجام‌شده توسط حسابرسان مستقل قابل اتکاست یا خیر. در حقیقت، نقایص مکرری در حسابرسی مستقل موسسات مالی با اهمیت سیستماتیک (SIFI) در ارتباط با اقلام برآوردی (قضاوتی) اقلام ترازنامه یا فرآیندها، شناسایی شده است.

مشکلات متناوبی که در ارتباط با ناظرین و حسابرسان مستقل وجود دارد سبب می‌شود این حوزه از منظر عملی به‌شدت مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا، اقدامات متعددی آغاز شده است که تعامل میان ناظرین و حسابرسان مستقل را بهبود می‌بخشد.

به‌طور خاص، کمیته نظارت بانکی بازل (BCBS) تعامل میان ناظرین و حسابرسان مستقل را مورد بررسی قرار داد. در نتیجه این بررسی، هم‌بستگی مثبتی بین رابطه بیشتر بین ناظرین و حسابرسان مستقل از یک سو و کیفیت بهتر حسابرسی در مورد صورت‌های مالی بانک‌ها و نظارت کارآمدتر بانکی از سوی دیگر، مشاهده شد.^{۱۲۲} نتیجه‌گیری‌ها و پیشنهادات مشابهی توسط سایر تدوین‌کنندگان استانداردها، مقررات-گذاران و نهادهای نظارتی، هم‌چون مقام بانکداری اروپا (EBA)^{۱۲۳}، بانک انگلستان و بانک جهانی ارائه شده است.^{۱۲۴}

درحقیقت، حسابرس مستقل می‌تواند متحدی ارزشمند برای مراجع نظارتی، به‌خصوص در حوزه‌هایی که مهارت‌ها و منابع کمیاب است، محسوب شود.^{۱۲۵} بحران مالی جهانی (GFC) اخیر بر اهمیت همکاری

^{۱۱۹} بانک انگلستان، مشارکت بین حسابرسان مستقل و ناظرین و شروع قدرت‌های انتظامی PRA در مورد حسابرسان و اکچوئران مستقل، مقاله مشاوره‌ای | CP8 / 15؛ گزارش کمیسیون پارلمانی استانداردهای بانکی، تغییر بانکداری به سمتی شایسته، جلد دوم (www.parliament.uk/documents/banking-commission/Banking-final-report-vol-ii.pdf)، جایی که پاراگراف ۱۰۵۳

می‌گوید: کمیسیون توصیه می‌کند که دیوان بانک انگلستان یک گزارش دوره‌ای راجع به کیفیت محاورات بین حسابرسان و ناظرین را ارائه کند.^{۱۲۰} فریاکو و لینکولن، ناظرین مالی و حسابرسان مستقل: همکاری برای ثبات مالی، مرکز اصلاح گزارشگری مالی (CFRR)، بانک ملی اتریش، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵، وین.

^{۱۲۱} Long Form Audit Report

^{۱۲۲} کمیته نظارت بانکی بازل، حسابرسی‌های مستقل بانک‌ها، مارس ۲۰۱۴.

^{۱۲۳} EBA، مشاوره در مورد دستورالعمل‌های پیشنهادی ارتباط بین مقامات دارای صلاحیت نظارت بر موسسات اعتباری و حسابرسان قانونی، اکتبر ۲۰۱۵.

^{۱۲۴} بانک جهانی: مرکز اصلاح گزارشگری مالی (CFRR)، ناظرین مالی و حسابرسان مستقل: ایجاد یک رابطه سازنده، به زودی.

^{۱۲۵} صندوق بین‌المللی پول، "به سوی چارچوب ثبات مالی"، نظرسنجی اقتصادی و مالی جهانی، واشنگتن، ۱۹۹۸، صفحه ۳۶.

نزدیک‌تر میان حسابرسان مستقل و ناظرین بانکی - که صاحب مهارت‌ها و دانش متمایزی هستند - در بهبود نظارت بر فعالیت‌های بانکی و غلبه بر نقاط ضعف در فرآیندهای مدیریت ریسک، ارزشیابی، کنترل و راهبری بانک‌ها و نیز در حسابرسی قانونی و نظارت مالی تاکید کرد.^{۱۲۶}

مقام مقررات‌گذار احتیاطی (PRA) بحث جدی‌ای را پیش کشید که از مزایای جانبی ارزشمند وجود گفتگوی دوطرفه میان حسابرسان و ناظرین و مخصوصاً بحث‌هایی که حول مشکلات حسابداری و حسابرسی پیش می‌آید، پشتیبانی می‌کند. چنین بحث‌هایی کمک می‌کند کیفیت حسابرسی‌های مستقل، به‌خصوص در شرایطی که از قبل به حسابرسان در مورد حوزه‌های کلیدی مورد توجه مقررات‌گذار اطلاع داده شده باشد، بهبود یابد. گفتگو پیش از شروع یک عملیات حسابرسی به حسابرس کمک می‌کند درک بهتری از نحوه استفاده مقررات‌گذاران از صورت‌های مالی در فرآیندهای تصمیم‌گیری خود، پیدا کند. هم-چنین این تمرکز بر مشکلات مورد توجه مقررات‌گذار ممکن است به حسابرسان اجازه دهد تا بتوانند با موشکافی بیشتر از معمول، مدیریت شرکت را به نفع سیستم مدیریت ریسک کلی، به چالش بکشند.

ناظرین و حسابرسان مستقل نقش مهمی در ایجاد یک سیستم کنترل کارآمد ایفا کرده و از قدرت کافی برای به چالش کشیدن خود سیستم برخوردارند. ارتباط بهتر و تعامل نزدیک‌تر میان حسابرسان داخلی، ناظرین و حسابرسان مستقل می‌تواند منجر به خلق سیستم کنترلی شود که قادر است با بهره‌گیری از اطلاعاتی که به‌طور معمول در دسترس نیست، کاستی‌ها و نقاط ضعف را در همان اولین خط و دومین خط شناسایی نماید. به‌علاوه، وجود چنین تعاملی می‌تواند زمینه‌ساز خلق محیطی که از استقلال، بی‌طرفی و یکپارچگی کار حسابرسی داخلی و مستقل پشتیبانی می‌کند، شود. به این ترتیب، وقتی ناظرین اطمینان یابند که فرآیند کار حسابرس مستقل منصفانه، بی‌طرفانه، شفاف و مستقل از مدیریت بانک بوده و به‌خوبی مستندسازی شده است، قابلیت اعتماد عملکرد و خروجی حسابرسان مستقل افزایش می‌یابد.

در نقشه‌راه پذیرش مدل نوآورانه چهارخط دفاعی، ارتباط بین سه طرف درگیر بر اساس یک رابطه مثلثی موضوعی مهم است که باید بر روی آن تمرکز شود. به‌ویژه، محدوده اطلاعات، شکل ارتباط و زمان‌بندی و تعداد دفعات ارتباط اجزای مهمی هستند که استمرار کلی کنترل‌ها را تقویت می‌کند. با ایجاد و استفاده از مدل چهارخط دفاعی، ویژگی‌های زیر باید در برقراری ارتباط اجباری شده و به‌طور کارآمد به‌کار گرفته شود:

الف) نظم و قاعده اطلاعات فراهم‌شده:

- تعریف واژگان و دامنه تعامل؛ و
- تبادل اطلاعات پیش و در خلال کار حسابرسی به نحوی که اجازه انعطاف‌پذیری را بدهد (مثلاً از طریق برگزاری جلسات موقت در هر زمانی که لازم باشد)

^{۱۲۶} ایوالد نووتنی، راهبر بانک ملی اتریش، سخنرانی در کنفرانس ناظرین و حسابرسان: ایجاد روابط سازنده، وین، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵؛ کمیته نظارت بانکی بازل، نامه‌ای به هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان‌دهی (IAASB)، آوریل ۲۰۱۳.

(ب) کیفیت تعاملات:

- بازخورد واقعی در مورد کیفیت تعاملات و به اشتراک گذاری اطلاعات؛ و
- ارزیابی منظم استقلال و بی طرفی^{۱۲۷} هر کدام از طرف‌های درگیر (مثلا شرایط قرار ملاقات (کار) حسابرس مستقل)

(ج) تعریف شفاف اختیار و دامنه کار:

- ناظرین باید قدرت درخواست دسترسی به هرگونه اطلاعات نگهداری شده توسط حسابرسی مستقل یا داخلی را داشته باشند؛
- هر سه طرف درگیر باید با هم دامنه حسابرسی موضوع کار را برای بررسی تعیین کنند (مثلا بحث مشترک در مورد صورت‌های مالی)؛ و
- هر سه طرف درگیر باید روش‌شناسی حسابرسی خود را به اشتراک گذاشته و در مورد برنامه اقدامات حیاتی صحبت کنند.

این مدل نباید بر اساس رویکرد «یک نسخه برای همه»^{۱۲۸} به کار گرفته شود و باید بسته به اندازه و مقیاس عملیات و محدوده فعالیت‌هایی که دنبال می‌شود به صورت موردی استفاده شود.

۶. نتیجه‌گیری

برگرفته از خط بحثی که در بالا پیگیری شد، نتیجه‌گیری می‌کنیم که موسسات مالی قانونمند نیازمند مدل چهار خط دفاعی مناسبی هستند که بر روابط میان حسابرسی داخلی (سومین خط دفاعی) و حسابرسی مستقل و ناظرین (که هر دو با هم چهارمین خط دفاعی را تشکیل می‌دهند) تاکید دارد. برخلاف وضعیت بیرونی، واحدهایی که خط چهارم دفاعی را تشکیل می‌دهند باید در مباحث کنترل پیش و نظارت در سازمان فعالیت داشته باشند. این بدین معناست که تعامل نزدیک میان فعالیت حسابرسی داخلی، حسابرسی مستقل و ناظرین بسیار اهمیت دارد. مزایا و ریسک‌هایی که از همکاری نزدیک میان این سه واحد ممکن است حاصل شود را برجسته کردیم. تحقیقات بیشتری برای توسعه راهکارهای ممکن جهت حل مشکلات شناسایی شده، لازم است.

به‌علاوه، تغییراتی که از این پس در شیوه‌های عمل نظارتی و حسابرسی در بخش مالی اعمال می‌شود تا مشکلات کلیدی در موسسات را در همان مراحل اولیه رهگیری شده و بدون خدشه وارد کردن به استقلال وظایف خطوط دفاعی سوم و چهارم، عملیات روزمره سازمان از نزدیک پیش شود، باید مورد بررسی قرار گیرد.

^{۱۲۷} رجوع شود به کمیته نظارت بانکی بازل، فعالیت حسابرسی داخلی در بانک‌ها، آوریل ۲۰۱۲، اصل ۱۲.

^{۱۲۸} در سیستم بانکی در اروپا، تناسب، یکی از اصول کلیدی استفاده از به اصطلاح تنها کتاب قانون (مجموعه‌ای هماهنگ از قوانین که تحت آن اتحادیه بانکداری عمل می‌کند) است. هر دو کمیسیون و پارلمان اروپا تاکید کرده‌اند که تنوع سیستم بانکی اتحادیه اروپا باید مورد تایید قرار گیرد. رجوع شود به EBA، کارگاه تناسب: استفاده از اصل تناسب در زمینه اصلاحات نهادی و نظارتی، ژوئیه ۲۰۱۵.